



پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

● شماره شابا: ۵۲۲۵-۲۳۴۵
 ● شماره شابا الکترونیکی: ۵۵۰۰-۲۳۴۵
 ● نشریه علمی - پژوهشی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران شماره ۵ دوره سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۲
 ● گروه باستان‌شناسی دانشکده مهندسی معماری دانشگاه بوعلی سینا

- صنایع سنگی محوطه چیا سبز شرقی، سد سیمره: تغییرات تکنولوژیکی از دوره انتقالی نوسنگی به نوسنگی بی سفال در غرب ایران
حجت دارابی ۲۴-۷
- حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس‌وسنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار
امیر ساعدموجشی ۵۰-۲۵
- بررسی تغییرات فرهنگی دشت کنگاور از دوره مس‌سنگ تا پایان عصر مفرغ بر اساس مدل‌های استقرار
عباس مترجم و طیبه الماسی ۶۲-۵۱
- مطالعه پتروگرافی سفال عصر آهن غار هوتو
امیرصادق نقشبند، الناز حاتمی و هومن نیکروان‌متین ۷۸-۶۳
- محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره‌ی قشم
علیرضا خسروزاده ۱۰۰-۷۹
- بررسی باستان‌شناختی پهنه فرهنگی نیشابور از منظر معدن‌کاوی و فلزکاری کهن در دوران اسلامی
سولماز حاجی‌علیلو و هایدده لاله ۱۲۰-۱۰۱
- گونه‌شناختی و معرفی سفالینه‌های دوران اسلامی بلوچستان (مکران جنوبی)
سید رسول موسوی‌حاجی، محمد مهدی توسلی، روح‌الله شیرازی و مریم زور ۱۴۰-۱۳۱
- مطالعه ساختار، ویژگی‌های تکنیکی و زمینه‌های تاریخی ساخت بنای گنبد قابوس
مریم محمدی، کاظم ملازاده و سینا فرامرزی ۱۵۴-۱۴۱
- پژوهشی تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری ایران در دوران صفوی و قاجار «با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران»
مجید ساریخانی ۱۶۸-۱۵۵
- بررسی جایگاه مهندسی ژئوماتیک در کاربردهای میراث‌فرهنگی - باستان‌شناسی و معماری
سعید علی‌ناجر و سمیه افشاری‌آزاد ۱۹۵-۱۶۹

ویژگی‌های کلی مقاله مورد پذیرش

هدف نشریه‌ی علمی - پژوهشی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران انتشار پژوهش‌ها و تجربه‌های علمی در زمینه‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنر و معماری است.

نوشتر باید نتیجه پژوهش‌های نویسنده (یا نویسندگان) بوده و در نشریه دیگر منتشر نشده باشد.

پذیرش مقاله برای چاپ پس از داوری و با تایید در جلسه هیئت تحریریه مجله است.

درستی نوشته‌ها با خود نویسنده (یا نویسندگان) مقاله است.

مقاله باید بر یک روی صفحه استاندارد (۲۱×۳۰ سانتیمتر) و با اندازه (سایز) ۱۳ و قلم (فونت) B Mitra با فرمت ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ WORD و تنظیم حواشی ارسال شود.

برای ارسال مقاله امکان استفاده از پست الکترونیکی (E-Mail) به آدرس: Journal.nbsh@yahoo.com و یا NBJ@basu.ac.ir نیز فراهم است.

صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده، پست الکترونیک و محل خدمت و مرتبه‌ی علمی وی باشد.

در صورتی که مقاله برگرفته از پایان‌نامه نویسنده باشد، مجوز و ذکر نام استاد راهنما الزامی است.

نوشترها باید به ترتیب شامل: عنوان، چکیده، مقدمه، روش تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق، مبانی نظری، بدنه تحقیق شامل موضوعات مختلف، نتیجه‌گیری و تشکر،

فهرست منابع طبق راهنمای شیوه ارجاع و چکیده انگلیسی باشد.

چکیده باید بیان‌کننده تمام نوشتار باشد. چکیده فارسی نباید بیشتر و یا کمتر از ۳۰۰ کلمه باشد.

چکیده انگلیسی بایستی ۶۰۰ کلمه باشد و در برگزیده بخش‌های مهم و نتیجه‌گیری مقاله باشد.

عناوین جدول‌ها با ذکر شماره در بالا و تصاویر، نقشه‌ها، طرح‌ها و نمودارها با ذکر شماره (توضیحات و ذکر منابع) در پایین ضروری است.

تصاویر، جدول‌ها، نمودارها، نقشه‌ها و طرح‌ها باید داخل متن قرار گرفته و یک نسخه از آن‌ها به‌صورت مجزا در یک فایل جداگانه و با فرمت JPG و کیفیت

DPI ۳۰۰ هم‌راه مقاله به دفتر نشریه ارسال گردد.

مقاله نباید از ۲۰ صفحه استاندارد (۲۴ سطری A۴) بیشتر باشد.

مقاله فقط به زبان فارسی پذیرفته می‌شود.

- "عنوان" شامل موضوع مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده و مرتبه علمی و دانشگاه محل تدریس و تحصیل وی است؛ عنوان مقاله باید گویا و بیانگر محتوای نوشتار باشد.

- "چکیده" شرح مختصر، اما جامعی از مسائلی محتوایی و نوشتاری شامل: بیان مسئله، هدف، ماهیت پژوهش، نکته‌های مهم و نتیجه بحث است.

- "کلیدواژه‌گان" شامل چهار تا شش واژه تخصصی که بسامد و اهمیت آن در متن مقاله بیش از سایر واژه بوده است.

- "مقدمه" شامل طرح مسئله اصلی است که مورد پذیرش و هدف پژوهشگر از بررسی و انتشار آن است؛ در این بخش باید به اجمال پیشینه و فرضیات پژوهشی و

پرسش‌های اصلی باید مشخص گردد که در طی بررسی به آن پرداخته شود.

- "روش تحقیق" شامل ذکر بسیار مختصر روش و ابداعات نویسنده در پژوهش در این زمینه است.

- بحث و نتیجه‌گیری و تشکر شامل متن اصلی مقاله و بحث نتیجه‌گیری با روش منطقی و مفید و روشن‌گر مسئله مورد پژوهش است و می‌تواند با جدول، تصویر

و نمودار و... هم‌راه باشد.

- "سپاسگزاری" در پایان این بخش نویسنده، راهنمای دیگران - که در نوشتن مقاله موثر بوده‌اند - را یادآوری و از ایشان مختصراً سپاسگزاری می‌نماید.

شیوه ارجاع به منابع:

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع خواهد بود و از معتبرترین منابع استفاده شود.

در باره آثار مفقود و نیز منسوب، به منابعی که از آن‌ها یاد کرده و یا توضیحی داده‌اند، ارجاع داده می‌شود.

ارجاع داخل متن مقاله: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره صفحه یا صفحات؛ مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

درباره استفاده از سنت شفاهی (مصاحبه با افراد خبره و صاحب نظر) به‌صورت زیر ارجاع دهی صورت گیرد و در بخش تشکر از ایشان سپاسگزاری شود (حسینی،

مصاحبه شونده، ۱۳۹۰/۱/۱۲).

ارجاع پایانی متن مقاله (منابع و ماخذ):

فارسی:

ارجاع به کتاب:

- نام خانوادگی، نام، و نام و نام خانوادگی سایر افراد دخیل؛ تاریخ چاپ اثر، "نام اثر"، ترجمه‌ی...، تعداد جلد...، نام محل نشر؛ نام ناشر.

ارجاع به مقالات دانشنامه‌ها (دایره‌المعارف‌ها) فصلنامه‌ها، مجلات و نمونه‌های دیگر:

- نام خانوادگی، نام، تاریخ چاپ اثر، "نام مقاله"، نام مجموعه مقالات، تعداد جلد، محل نشر؛ نام ناشر، شماره صفحه آغاز و پایان مقاله.

لاتین:

در کتاب‌نامه لاتین حروف اول باید بزرگ باشد و بین فواصل ویرگول قید شود.

ارجاع به کتاب:

Ward-Perkins, J.B 1990. Roman Imperial Architecture London, Penguin Books.

ارجاع به مقالات مجله‌ها:

Trinkaus, E. 1982. Artificial Cranial Deformation in the Shanidar 1 and 5 Neanderthals. Current Anthropology 23 (2): 198-199.

ارجاع به مجموعه مقالات:

Liverani, M 2003. "The Rise and Fall of Media" Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia, (Lanfranchi, G.B and others) eds. Padova, 1-12.

ارجاع به پایان نامه‌ها:

Blom, D.E. 1999. Tiwanaku Regional Interaction and Social Identity, a Bioarchaeological Approach, Ph. D Thesis, Department of Anthropology, University of Chicago.

نکات دیگر در باب ارجاع به منابع:

- منابع مقاله به‌صورت الفبایی و بر اساس نام مؤلف تنظیم می‌شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود همان منابعی است که در داخل متن استفاده شده است.

- در صورتی که یک نویسنده منابع متعدد مربوط به سال‌های مختلف استفاده کرده باید به ترتیب تاریخ انتشار باشد.

- در صورتی که از یک نویسنده منابعی ذکر شود که مربوط به یک سال شمسی یا میلادی به این صورت عمل شود: (مجیدزاده، ۱۳۸۷ الف: ۱۵) و (مجیدزاده، ۱۳۸۷ ب: ۳۵).

- در صورتی که مؤلف منبع اثر، معلوم نباشد، نام اثر جایگزین نام مؤلف می‌شود.

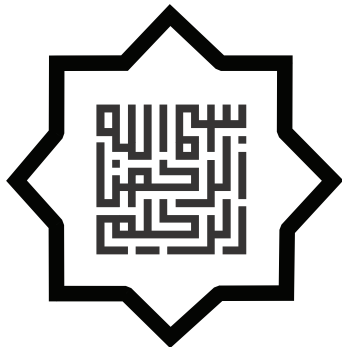
- عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایانی مقاله به‌طور کامل ذکر خواهد شد.

- منابع غیر فارسی، پس از منابع فارسی و به ترتیب، عربی، انگلیسی، فرانسوی و... آورده شود.

- هر توضیح دیگری غیر از ارجاع به منابع مورد استفاده، در پی‌نوشت، ذکر شود.

- مقاله‌های علمی-پژوهشی را به‌عنوان سردبیر نشریه هم‌راه با درخواست کتبی نویسنده و یا نویسندگان مقاله باشد و به نشانی: " همدان، میدان فلسطین، بلوار غبار

همدانی دفتر مجله، دانشکده‌هنر و معماری " و یا به نشانی پست الکترونیکی نشریه ارسال فرمایید.



پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

دو فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

گروه باستان‌شناسی

دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا

شماره شاپا: ۵۲۲۵-۲۳۴۵

شماره شاپا الکترونیکی: ۵۵۰۰-۲۳۴۵



شماره شاپا: ۵۲۲۵-۲۳۴۵

شماره شاپا الکترونیکی: ۵۵۰۰-۲۳۴۵

دوفصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران دارای درجه علمی - پژوهشی بر اساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۹۸ تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۳ از کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد.

مقالات مندرج لزوماً نقطه نظر دوفصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران نیست و مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان گرامی می‌باشد. استفاده از مطالب و کلیه تصاویر نشریه با ذکر منبع بلامانع است.



دو فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران

گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری بوعلی سینا

شماره ۵، دوره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز (ناشر): دانشگاه بوعلی سینا

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدابراهیم زارعی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر

استاد گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دکتر بهمن فیروزمندی شیره‌جینی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

دکتر یعقوب محمدی‌فر

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

دکتر عباس مترجم

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

دکتر مهدی مرتضوی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر کاظم ملازاده

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

دکتر حکمت‌الله ملاصالحی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

دکتر سید رسول موسوی حاجی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

دکتر رضا مهرآفرین

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

دکتر کمال‌الدین نیکنامی

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

دکتر علیرضا هژبری نویری

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

ویراستار انگلیسی: اردشیر جوانمردزاده

مدیر داخلی: صفانه صادقیان

طراحی لوگو: استاد احمد تیموری

طرح روی جلد: غلامرضا شاملو

صفحه‌آرا: خلیل‌الله بیک‌محمدی

چاپ: گیتی

نشانی: همدان، فلکه فلسطین، بلوار غبار همدانی، دانشکده هنر و معماری، گروه باستان‌شناسی

پست الکترونیکی:

NBJ@basu.ac.ir / Journal.nbsh@yahoo.com

تلفن: ۸۲۹۱۱۲۹ - ۰۸۱۱، فاکس: ۸۲۹۰۹۴۱ - ۰۸۱۱

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

حقوق کلیه مقالات برای دانشگاه بوعلی سینا محفوظ می‌باشد.

صنایع سنگی محوطه چیا سبز شرقی، سد سیمره: تغییرات تکنولوژیکی از دوره انتقالی
نوسنگی به نوسنگی بی‌سفال در غرب ایران

حجت‌داری
۲۴-۷

حوزه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس‌وسنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی
شهرستان بیجار

امیر ساعدموچشی
۲۵-۵۰

بررسی تغییرات فرهنگی دشت کنگاور از دوره مس‌سنگ تا پایان عصر مفرغ
بر اساس مدل‌های استقرار

عباس مترجم و طیبه الماسی
۶۲-۵۱

مطالعه پتروگرافی سفال عصر آهن غار هوتو

امیرصادق نقشینه، الناز حاتمی و هومن نیکروان‌متین
۶۳-۷۸

محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره‌ی قشم

علیرضا خسروزاده
۷۹-۱۰۰

بررسی باستان‌شناختی پهنه فرهنگی نیشابور از منظر معدن‌کاوی و فلزکاری کهن در
دوران اسلامی

سولماز حاجی‌علیلو و هایده لاله
۱۰۱-۱۲۰

گونه‌شناختی و معرفی سفالینه‌های دوران اسلامی بلوچستان (مکران جنوبی)

سید رسول موسوی‌حاجی، محمد مهدی توسلی، روح‌الله شیرازی و مریم زور
۱۲۱-۱۴۰

مطالعه ساختار، ویژگی‌های تکنیکی و زمینه‌های تاریخی ساخت بنای گنبد قابوس

مریم محمدی، کاظم ملازاده و سینا فرامرزی
۱۴۱-۱۵۴

پژوهشی تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری ایران در دوران صفوی و قاجار
«با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران»

مجید ساریخانی
۱۵۵-۱۶۸

بررسی جایگاه مهندسی ژئوماتیک در کاربردهای میراث فرهنگی - باستان‌شناسی و معماری

سعید علی‌تاجر و سمیه افشاری‌آزاد
۱۶۹-۱۹۵

محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره‌ی قشم

علیرضا خسروزاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد
Akhosrowzadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۱۱، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۱
(از ص ۷۹ تا ۱۰۰)

چکیده

برای مدت‌ها هیچ محوطه‌ای مربوط به دوره‌ی اشکانی در سواحل ایرانی تنگه‌ی هرمز شناسایی نشده بود، اما در سال‌های اخیر همان‌طور که دانش ما از سفال دوره‌ی اشکانی سواحل خلیج فارس بیشتر شده، شمار زیادی محوطه مربوط به دوره‌ی اشکانی به‌خصوص در سواحل تنگه‌ی هرمز و جزیره‌ی قشم شناسایی و ثبت شده است. در بررسی‌های انجام گرفته در جزیره‌ی قشم ۲۳ محوطه شامل محوطه‌های پس کرانه‌ای دور از ساحل، محوطه‌های ساحلی، و محوطه‌های گورستانی شناسایی شد. بر اساس این بررسی‌ها به‌نظر می‌رسد در دوره‌ی اشکانی بر تعداد محوطه‌ها و جمعیت قشم افزوده می‌شود، ولی الگوی مکان‌گزینی محوطه‌ها با دوره‌های قبل تفاوتی نمی‌کند و تنها تفاوت در تمرکز بیشتر محوطه‌های دوره‌ی اشکانی در دشت توریان و سواحل جنوبی جزیره‌ی قشم (اطراف روستای بَنگالی) است. مناطقی از قشم که تا اندازه‌ای غیر مسکونی بود، به‌خصوص بخش‌های غربی، در دوره‌ی اشکانی مسکونی شد و در دشت توریان که متراکم‌ترین محوطه‌های هزاره‌ی سوم تا هخامنشی دیده می‌شد، در این دوره نیز همان تراکم را حفظ کرد. در واقع در این دوران با توجه به گسترش جمعیت، غیر از مناطقی که در دوره‌های قبل مسکونی بودند، در بخش‌های دیگر منطقه نیز سکونت صورت گرفته است. هم‌چنین با تحول و گسترش تجارت و امکانات کافی در استفاده از منابع آبی و زیست محیطی، بخش‌های ساحلی نیز مسکونی شده است. در دوره‌ی پارتی، اندازه‌ی محوطه‌ها نسبت به گذشته بزرگ‌تر شده‌اند. تمامی استقرارهای این دوران به شکل روستاهای کوچک و بزرگ یک‌جانشین و یا محوطه‌های ساحلی هستند و محوطه‌ی بزرگی که ویژگی یک شهر را داشته باشد، در این جزیره شناسایی نشد. در این دوره جزیره‌ی قشم از نظر فرهنگی تحت تأثیر جنوب‌شرق بوده به‌طوری‌که، سفال‌های شاخص جنوب‌شرق (خشن سیاه رنگ، منقوش دو یا چند رنگ با پوشش قهوه‌ای و قرمز) از سطح محوطه‌ها به‌دست آمد.

کلیدواژه‌گان: جزیره قشم، اشکانی، خلیج فارس، جنوب شرق ایران.

مقدمه

بررسی‌ها و کاوش‌های انجام گرفته در جزایر ایرانی و سواحل شمالی خلیج فارس نسبت به کارهای انجام شده در کشورهای حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس بسیار اندک بوده و آگاهی ما از حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس به مراتب بیشتر از حوزه‌ی شمالی آن است. بر خلاف سواحل جنوبی که در دهه‌های اخیر چندین محوطه‌ی باستانی مربوط به دوره‌های اشکانی شناسایی و ثبت شده و تعداد زیادی از آن‌ها کاوش شده، در سواحل شمالی خلیج فارس با وجود این که بررسی‌هایی که انجام شده ولی نتایج این بررسی‌ها هیچ‌گاه چاپ نشده است. در واقع بیشتر اطلاعات ما از دوره‌ی اشکانی خلیج فارس مدیون کاوش‌های انجام شده در محوطه‌های سواحل جنوبی خلیج فارس مثل: اددور^۱، ملیحا^۲، سوهار^۳، تاج^۴، فیلکه^۵، قلات بحرین^۶ و چندین محوطه‌ی دیگر است. در سواحل شمالی خلیج فارس تنها محوطه‌ی کهولنگرچینی در سواحل میناب توسط هیأت ایرانی به سرپرستی سیامک سرلک کاوش شده است (سرلک ۱۳۹۲).

از آن‌جا که پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام گرفته در سواحل شمالی خلیج فارس به صورت موردی و پراکنده انجام شده است، اطلاعات باستان‌شناختی از این منطقه گسسته و ناهم‌گون است. یکی از مناطقی که بررسی‌های کم‌تری در آن انجام شده جزیره‌ی قشم است. تنها بررسی‌های انجام گرفته تا پیش از این در جزیره‌ی قشم در سال ۱۳۴۸ انجام گرفته است (بابک‌راد، ۱۳۵۰؛ ۱۳۴۸). این بررسی فراگیر و فاقد انسجام و تمرکز بر دوره‌ای خاص بوده و به دست‌یابی مدارک مهم از سکونت‌گاه‌های پارسی در این جزیره منجر نشده است.

فصل نخست بررسی باستان‌شناختی جزیره‌ی قشم در بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۴ به انجام رسید و طی آن ۵۳ محوطه از دوره‌های گوناگون (عصر آهن ۳ تا قاجاریه) شناسایی شد. محدوده‌ای که در فصل نخست بررسی و مورد پیمایش قرار گرفت، بیشتر بخش‌های شرقی جزیره، منطقه‌ای در حد فاصل قشم، درگهان و شیب دراز بود. این محدوده شامل روستاهای شیب‌دراز، باغ بالا، برکه خلف، جی‌جیان، خالدین، درگاهان، دیرستان، رمچاه، رمکان، ریگو، زیرانگ، سهیلی، گیاهدان، مسن، و نخل گل بود (خسروزاده ۱۳۸۵).

در فصل دوم که در اسفند ۱۳۹۰ و فروردین ۱۳۹۱ انجام شد، محدوده‌ی بررسی اساساً به بخش‌هایی محدود شد که طی فصل اول یا اصلاً بررسی نشده بود و یا به شکل ناقص بررسی شده بود. این محدوده‌ها شامل بخش‌های غربی و مرکزی

۱. اددور (ed-Dur)، (امارات ام‌القوین، امارات متحده عربی) یکی از بزرگ‌ترین و به احتمال زیاد تنها محوطه ساحلی بین قطر و تنگه هرمز در اواخر دهه‌های قرن اول پیش از میلاد و قرن اول میلادی بوده است. این محوطه در جنوب شرق سواحل عربی خلیج فارس و تقریباً ۱۲۰ کیلومتری تنگه هرمز واقع شده است (Haerincq, 1998b: 274).
 ۲. ملیحا (Mleiha)، مهم‌ترین محوطه مربوط به دوره سلوکی و اشکانی در پس کرانه‌های خلیج فارس در امارات متحده عربی ملیحا است. این محوطه در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شهر الزیاد و ۷۵ کیلومتری جنوب شرق شارجه قرار گرفته است (Jasim, 2001: 103).

۳. سوهار (Suhar)، سوهار یکی از مهم‌ترین محوطه‌های دوره‌ی اشکانی و ساسانی در سواحل عمان، حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال مسقط و ۲۰۰ کیلومتری جنوب دبی قرار گرفته است (Kervran, 2004: 271).

۴. تاج (Thaj)، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های مربوط به دوره اشکانی در شرق عربستان سعودی است. این محوطه در وادی‌المیاه (Wadi al-Miyah)، در ۹۰ کیلومتری بندر الجبیل در ساحل خلیج فارس قرار گرفته است. تاج با توجه به ابعاد بسیار بزرگش و فراوانی مواد فرهنگی به دست آمده از آن، مهم‌ترین محوطه مربوط به دوره سلوکی-اشکانی شمال شرق شبه‌جزیره عربستان است (Potts, 1990: 30).

۵. جزیره‌ی فیلکه (Failaka)، در ۲۰ کیلومتری ساحل شهر کویت در انتهای خلیج فارس قرار گرفته است (Potts, 1990: 154).

۶. محوطه‌ی مهم مربوط به دوره‌ی اشکانی و اسلامی در شمال بحرین (Boucharlat 1986).

جزیره‌ی قشم بود. روستاهای بخش مرکزی قشم که در دشت توریان قرار داشتند به‌خوبی و به شکل پیمایش بررسی شدند. اما بقیه‌ی روستاهای قشم به‌خصوص روستاهای بخش غربی، به‌دلایلی به شکل کامل و پیمایشی بررسی نشدند و فقط به شناسایی و ثبت محوطه‌های مهم بسنده شد. چند روستا اصلاً بررسی نشد و شماری از روستاها نیز به شکل پیمایش بررسی نشدند (خسروزاده ۱۳۹۱).

مهم‌ترین پرسش‌ها و فرضیه‌هایی که در ارتباط با محوطه‌های اشکانی قشم مطرح است عبارتند از: ۱- ساختار، پراکندگی و وسعت این استقرارها در این دوره به چه شکل است و چه اطلاعاتی را درباره کارکردهای اقتصادی محوطه‌های موجود ارائه می‌دهد؟ وسعت استقرار، آثار متعدد معماری، وجود شمار فراوانی سرباره‌ی فلز و شیشه و خصوصیات مواد فرهنگی پراکنده بر سطح شماری از این محوطه‌ها به‌طور ضمنی بیان‌گر چند دوره‌ای بودن استقرارها و هم‌چنین کارکرد بندرگاهی و صنعتی بودن محوطه‌ها است. شماری از محوطه‌ها نیز تک دوره‌ای و گورستانی هستند.

۲- آیا از نظر فرهنگی بین محوطه‌های اشکانی قشم با دیگر محوطه‌های هم‌زمان در شمال و جنوب خلیج‌فارس ارتباطی وجود داشته است؟ بر اساس سفال‌ها و دیگر مواد فرهنگی به‌دست آمده از سطح این محوطه‌ها به‌نظر می‌رسد که پیوندهای فرهنگی زیادی بین این محوطه‌ها و دیگر مراکز هم‌زمان در شمال و جنوب خلیج‌فارس وجود دارد.

ملاحظات جغرافیایی و زیست محیطی

جزیره‌ی قشم بزرگ‌ترین جزیره‌ی ایران و خلیج‌فارس در دهانه‌ی تنگه‌ی هرمز است. این جزیره در مدخل ورودی خلیج‌فارس از دریای عمان واقع شده است (شکل: ۱).

این جزیره از شمال به شهر بندرعباس، مرکز بخش خمیر و قسمتی از شهرستان بندرلنگه، از شمال‌شرق به جزیره هرمز، از شرق به جزیره لارک، از جنوب به جزیره هنگام و از جنوب‌غرب به جزایر تنب بزرگ، کوچک و بوموسی محدود می‌گردد. فاصله‌ی جزیره‌ی قشم تا بندرعباس حدود ۲۰ کیلومتر است. نزدیک‌ترین فاصله‌ی جزیره‌ی قشم تا بندرعباس حدود ۲۰ کیلومتر و نزدیک‌ترین فاصله‌ی آن به ساحل اصلی کشور، در دماغه‌ی شمالی جزیره، از بندر لافت تا بندر پُل حدود ۱۸۰۰ متر است. مساحت جزیره ۱۴۹۱ کیلومتر مربع و طول آن از بندر قشم تا بندر باسعیدو در انتهای جزیره حدود ۱۳۰ کیلومتر است.

منطقه‌ی بررسی شده شامل چند دشت کوچک و بزرگ، مناطق مرتفع و کوهستانی و نواحی کرانه‌ای و ساحلی بود. دشت‌های قشم مسطح و نسبتاً کم ارتفاع هستند. سطح دشت‌ها عمدتاً از نهشته‌های آبرفتی تشکیل شده است. این دشت‌ها دارای شیب ملایم، پستی و بلندی کم، با خاک عمیق و بافت متوسط و سنگین است. دشت‌های باریک و نسبتاً طولانی که تشکیل پهنه‌های گلی و یا پوشیده از ماسه باشد نیز وجود دارد.

کرانه‌ها و سواحل قشم در قسمت‌های مختلف ویژگی‌های متفاوتی دارد. این ویژگی‌ها تأثیر بسیار مهمی در ایجاد استقرارها و حیات اقتصادی و اجتماعی جزیره

دارد. این سواحل به سه بخش تقسیم می‌شوند: بخش نخست شامل سواحل مردابی و پست است که عمق آب در این قسمت‌ها بسیار کم است. چنین سواحلی را می‌توان بین بندر قشم و درگهان مشاهده نمود. بخش دوم سواحل حد فاصل قشم تا سوزا است که مهم‌ترین ویژگی ناحیه، کشیده شدن کوه‌های کم ارتفاع در امتداد سواحل آن است. این کوه‌ها در بیشتر نقاط به سواحل نزدیک می‌شوند و چشم‌انداز زیبایی را به وجود می‌آورند. عمق آب در بسیاری از نقاط ساحلی این بخش برای توقف کشتی‌ها مناسب است و در طول ساحل و در فواصل متفاوت روستاها و شهرهای زیادی قرار دارد. این ویژگی‌ها که بیشتر در سواحل جنوبی قشم دیده می‌شود، موقعیت مناسبی برای ساکنان آن به وجود آورده است و از همین رو در طول تاریخ بیشترین استقرارها در این قسمت از جزیره قرار داشتند.



شکل ۱: موقعیت جزیره‌ی قشم روی نقشه ایران.

بخشی از سواحل قشم به شکل مسطح و سنی است و هیچ‌گونه عوارضی در آن دیده نمی‌شود، اگر چه در ساحل آن آبادی‌های کوچکی وجود داشته اما تا قرن اخیر شرایط مناسبی برای اسکان نداشته است. مهم‌ترین نوع پوشش گیاهی در سواحل قشم جنگل‌های مانگروست که به‌خصوص در سواحل شمالی این جزیره دیده می‌شود.

ناهمواری‌های جزیره‌ی قشم عمدتاً از ساختار تاقدیس‌ها و جنس آن‌ها از مارن تشکیل شده است، هرچند گنبد‌های نمکی نیز در بخش‌های غربی جزیره دیده می‌شود. ارتفاعات جزیره‌ی قشم را تپه‌های میزی شکل به رنگ روشن تشکیل می‌دهد که دامنه‌های آن بسیار پرشیب است. در جزیره‌ی قشم رودخانه‌ی دائمی وجود ندارد و مسیل‌های خشک و متعدد با حوضه‌های آبریز کم مساحت وجود دارد که اغلب، سیلاب‌های ناشی از بارندگی را به‌سوی دریا هدایت می‌کنند و به علت کوتاه بودن طول آن‌ها، در زمین خیلی کم نفوذ می‌کنند. جزیره‌ی قشم از رسوبات غیر قابل نفوذ مارن، رس، شیل و شیت و یا تناوبی از ماسه‌سنگ و کنگلومرا تشکیل شده و از لحاظ کیفیت آب متوسط و از جهت میزان آب‌دهی در حد ضعیف هستند. انتهای جنوب‌غربی جزیره سازندهای کربناته با شکستگی و درز شکاف دیده می‌شود که کیفیت آب مناسبی داشته اما میزان آب‌دهی ضعیفی دارد (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان هرمزگان، شهرستان قشم، ۱۳۸۳: ۲۶).

محوطه‌های اشکانی قشم

۱. محوطه‌های استقراری ساحلی و پس‌کرانه‌ای

متأسفانه مدارک تاریخی مربوط به دوره‌ی اشکانی سواحل شمالی خلیج فارس اندک است. از مهم‌ترین مورخین رومی که به قشم اشاره کرده، "آریانوس" (۱۷۵-۹۷ میلادی) است. آریان (Ind. 37. 2) در مورد قشم که از آن به نام اوآراکتا (Oaracta) نام برده، می‌گوید: آن‌ها (نثارخوس و هم‌راهانش) پس از آن ۳۰۰ استادی^۱ روی دریا پیمودند و از هرْموزیا (به‌سمت غرب) به جزیره‌ی متروکه و پر از درختچه‌های متروکه رسیدند. آن‌ها در کنار جزیره‌ی دیگر که بزرگ‌تر و مسکونی بود، لنگر انداختند. جزیره‌ی متروکه‌ی کوچک‌تر اورگانا (Organa)، (جَرون یا هرْمز فعلی) نام داشت و جزیره‌ی بزرگ‌تری که در کنار آن لنگر انداختند اوآراکتا نامیده می‌شد، که در آن درختان مو و نخلستان و غله‌ی فراوان وجود داشت. او همچنین به هنگام اشاره به جزیره‌ی اوآراکتا می‌گوید: "می‌گویند که مقبره‌ی نخستین پادشاه این کشور در این جزیره قرار دارد. می‌گویند که نام وی اریتراس (Erythras) بوده است. که، در نتیجه، این دریا به یاد او اریتره نامیده شده است." او همچنین اضافه می‌کند: "در آن شراب‌های زیادی تولید می‌شود، درختان خرما و غلات بسیار می‌روید، و طول آن ۸۰۰ استادیون است. در این جزیره مقبره‌ی نخستین پادشاه هم‌چنان باقی‌مانده است" (Arrian, Ind. 37. 2).

استرابو نیز اشاره می‌کند که نثارخوس، میتروپاتس را همراه با مازنس (Ma-zenes) ملاقات کرده بود. مازنس فرمان‌روای جزیره‌ی در خلیج پارس بود. این جزیره اوآراکتا خوانده می‌شد. میتروپاتس پس از ترک جزیره‌ی اوگیریس به این جزیره پناه آورده بود و از وی مهمان‌نوازی شده بود. میتروپاتس با مازنس درباره‌ی

۱. Stadia، استادیون، واحد اندازه‌گیری مسافت در یونان باستان که تقریباً برابر با ۱۹۰ متر است.

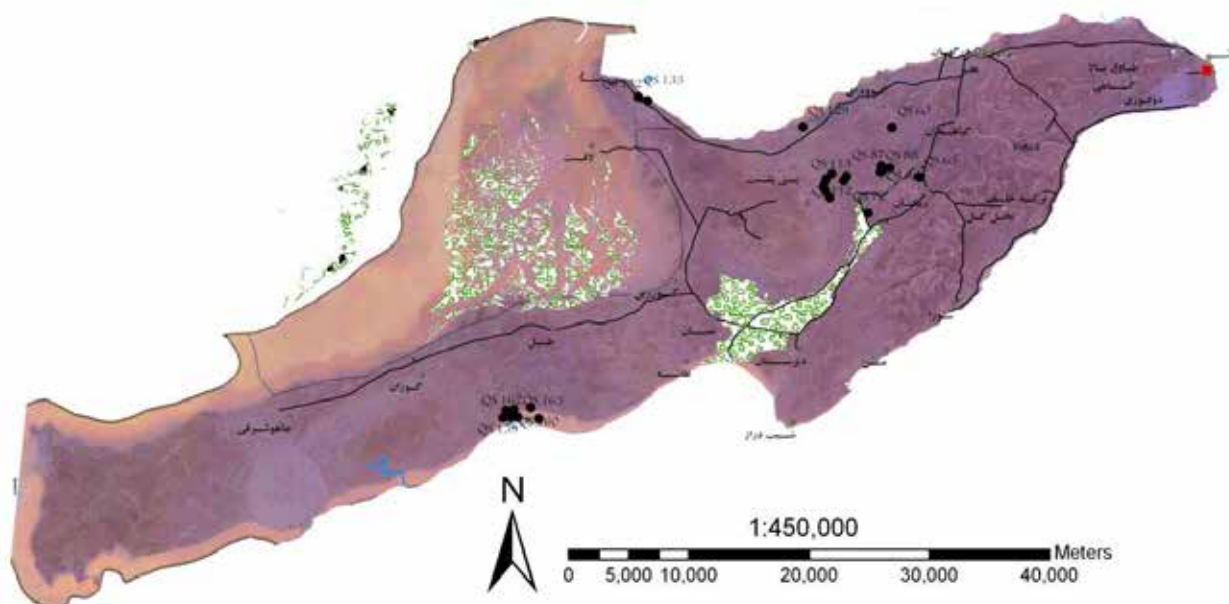
مقدونیانِ ناوگان او، گفتگو کرد. مازاتس خود راهنمای سفر شد (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۷۱).

تا پیش از سال ۱۳۸۵ مدارک باستان‌شناختی اندکی مربوط به دوره‌ی اشکانی از سواحل شمالی خلیج فارس به دست آمده بود، ولی در بررسی‌هایی که اخیراً در جزیره‌ی قشم انجام شد محوطه‌های بسیاری از دوره‌ی اشکانی شناسایی شده است (خسروزاده ۱۳۹۲). محوطه‌های پارتی شناسایی شده در جزیره‌ی قشم به چند شکل دیده می‌شوند: ۱. محوطه‌های پس کرانه‌ای و دور از ساحل، ۲. محوطه‌های ساحلی، ۳. محوطه‌های گورستانی.

یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پس کرانه‌ای شناسایی شده‌ی مربوط به دوره‌ی پارتی در جزیره‌ی قشم، «دُفاری» است. این محوطه یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های دوره‌ی پارتی در جزیره‌ی قشم است. اگرچه مدارکی از فعالیت‌های مربوط به دوره‌ی اسلامی در این محوطه وجود دارد، اما ساخت و سازها و استقرار اصلی در این محوطه مربوط به دوره‌ی اشکانی است که شواهد سفالی نیز این مسأله را نشان می‌دهد.

این محوطه به ابعاد 400×300 متر در حد فاصل روستاهای دُفاری (شمال شرق روستا) و کابُلی (جنوب روستا) قرار گرفته است. مشخصه‌ی سطحی اصلی این محوطه پراکندگی چشم‌گیر انواع صدف‌ها و گوش‌ماهی‌های دریایی است. همچنین فراوانی تکه سفال بر سطح محوطه کاملاً قابل توجه است. محوطه تقریباً هموار و هم‌سطح زمین‌های اطراف است و در قسمت‌هایی از آن پشته‌های بسیار کم ارتفاع پوشیده از ماسه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود. پراکندگی سفال در تمام محوطه هم‌سان و هم‌گون نیست. در انتهای بخش غربی محوطه و درست چسبیده به روستا چند پشته‌ی کوچک دیده می‌شود که بر سطح آن‌ها شمار زیادی تکه سفال و صدف دیده می‌شود؛ بیشترین پراکندگی سفال بر سطح محوطه در همین قسمت است. در این بخش در دو سه سال اخیر

شکل ۲: پراکندگی محوطه‌های اشکانی در محدوده‌ی بررسی.



چند ساخت و ساز جدید روستایی ایجاد شده و در چند بخش نیز رد تیغه‌ی لودر بر سطح زمین دیده می‌شود که عمق آن گاه به نیم متر نیز می‌رسد. این ساخت و سازهای روستایی نه تنها در این بخش بلکه در سایر قسمت‌های محوطه نیز ایجاد شده که موجب تخریب کامل بخش‌هایی از محوطه شده است. علاوه بر آن ایجاد جاده‌های خاکی و آسفالت بر سطح محوطه موجب تخریب بخش‌هایی دیگر از محوطه شده است.

دیگر محوطه‌ی شاخص پس کرانه‌ای این دوره، گُربه‌دان (QS 72) است. این محوطه به‌رغم گستردگی قابل توجه ارتفاع مشخصی ندارد، که از یک‌سو به‌دلیل فرسایش شدید محوطه و از سوی دیگر احتمالاً به‌دلیل ضخامت نه چندان زیاد نهشته‌های باستانی آن است. بر این اساس می‌توان احتمال داد که مدت استقرار در این محوطه طولانی نبوده است. هم‌چون محوطه‌ی دُفاری پراکندگی سفال بر سطح آن یک‌سان نیست، در بعضی قسمت‌ها پراکندگی زیاد و در بعضی قسمت‌ها پراکندگی کم‌تر است، ولی بیشتر پراکندگی سفال در بخش جنوبی محوطه دیده می‌شود. علاوه بر آن شماری ماسه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ بر سطح این محوطه‌ها دیده می‌شود که احتمالاً در ساخت و سازهای محوطه کاربرد داشته‌اند. مواد فرهنگی به‌دست آمده از سطح این محوطه کاملاً مشابه به محوطه‌ی دُفاری است.

از دیگر محوطه‌های پس کرانه‌ای اشکانی قشم، محوطه‌های کوه موزی (QS 60) و کاروان ۷ (QS 85) هستند. هر دو محوطه کوچک و مساحت آن‌ها تقریباً یک هکتار است. هر دو محوطه به شکل چند پشته‌ی کوچک و بزرگ در فواصل اندک از یک‌دیگر هستند که بین ۳ تا ۵ متر قطر دارند. در بعضی از قسمت‌های این محوطه‌ها رد دیوارهای سنگ‌چین نیز دیده می‌شود. پراکندگی این محوطه بر بالای ارتفاعات موزی در فاصله‌ی ۴ کیلومتری روستای توریان قرار گرفته است. محوطه به شکل چند پشته‌ی کوچک و بزرگ است که در فواصل ۳۰ تا ۵۰ متری از یک‌دیگر قرار گرفته‌اند و بین ۳ تا ۱۰ متر قطر دارند.

محوطه‌ی لافت ۱ (QS 133) یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های تاریخی ساحلی شناسایی شده در کل جزیره‌ی قشم است که در ۴ کیلومتری شرق لافت قرار گرفته است. این محوطه حدود ۶۸۰ در ۴۸۰ متر مساحت دارد. هر چند بر اساس یافته‌های سطحی به‌دست آمده از این محوطه، دوره‌ی استقرار اصلی در آن مربوط به ساسانی تا سلجوقی‌ست، اما شماری سفال مربوط به دوره‌ی اشکانی نیز از سطح این محوطه به‌دست آمد. محوطه در یک چشم‌انداز تقریباً تپه‌ماهوری قرار گرفته که از سوی شمال به دریا، از سوی جنوب به ارتفاعات صخره‌ای کم ارتفاع که شیب تند به‌سمت شمال و غرب دارند، منتهی می‌شود. محوطه شامل پشته‌های کوچک و بزرگی است که بلندی بزرگ‌ترین این پشته‌ها به بیش از دو متر می‌رسد (شکل: ۳). ویژگی اصلی این محوطه نیز وجود شمار فراوانی صدف‌ها و گوش‌ماهی‌های دریایی بر سطح این پشته‌هاست. هم‌چنین رد ساخت و سازهای فراوانی از ماسه‌سنگ و ملاط گل و گچ بر سطح شماری از این پشته‌ها و بخش‌های خاک‌برداری شده دیده می‌شود. پراکندگی سفال و دیگر مواد فرهنگی از جمله شیشه بر سطح محوطه فراوان و در تمامی بخش‌ها



شکل ۳: نمای عمومی محوطه‌ی لافت ۱ (QS 33) دید از جنوب.

به شکل یک‌سان دیده می‌شود. در قسمت‌های مختلف محوطه به‌خصوص بخش شرقی خاک‌برداری و تسطیح شده است که در لابه‌لای خاک‌های برداشته شده شمار فراوانی سفال، شیشه و فلز دیده می‌شود. در قسمت شمالی محوطه، بر سطح یکی از پشته‌های کم ارتفاع که حدود ۲ متر از سطح زمین‌های اطراف ارتفاع دارد و بخش‌هایی از آن تخریب شده شمار فراوانی جوش کوره و سرباره‌ی شیشه دیده می‌شود. در فاصله‌ی چند متری این پشته، پشته‌ی دیگری وجود دارد که بخش‌های زیادی از آن تخریب شده که بر سطح این پشته نیز شمار فراوانی سرباره‌ی فلز (احتمالاً مس) دیده می‌شود.

بزرگ‌ترین محوطه‌ی استقرار سواحل جنوبی قشم، رمچاه (QS 5) است. این محوطه به ابعاد ۱۵۰×۵۰۰ متر در کنار ساحل دریا در فاصله‌ی ۵۰ متری جنوب جاده‌ی آسفالت قشم به سوزا، و ۲ کیلومتری روستای پرکه خَلَف و رمچاه قرار گرفته است (شکل: ۴). محوطه شامل پشته‌های کوچک و بزرگی است که بزرگ‌ترین این پشته‌ها به بیش از دو متر می‌رسد. ویژگی اصلی این محوطه نیز وجود شمار فراوانی صدف‌ها و گوش‌ماهی‌های دریایی بر سطح این پشته‌هاست. همچنین رد ساخت و سازهای فراوانی از ماسه‌سنگ و ملاط گل بر سطح بیشتر این پشته‌ها دیده می‌شود. پراکندگی سفال و دیگر مواد فرهنگی از جمله شیشه بر سطح محوطه فراوان و در تمامی بخش‌ها به شکل یک‌سان دیده می‌شود. با توجه به پراکندگی سفال بر سطح محوطه به‌نظر می‌رسد که بخش غربی محوطه مربوط به دوره صفویه و تیموری، بخش مرکزی آن مربوط به دوره ایلخانی و سلجوقی و بخش شرقی محوطه مربوط به اشکانی، ساسانی و اوایل اسلامی است.

محوطه‌ی لنج‌سازی ۳ (QS 132) از دیگر محوطه‌های ساحلی قشم است که در سواحل شمالی قشم واقع شده است. محوطه در یک چشم‌انداز تپه ماهوری در کنار ساحل دریا قرار گرفته که به‌سمت ساحل از ارتفاع این تپه ماهورها کاسته می‌شود. محوطه شامل چند پشته‌ی کوچک و بزرگ به هم پیوسته است که بیشتر آن‌ها در سال‌های اخیر خاک‌برداری و تسطیح شده است. بر سطح

شکل ۴: نمای عمومی محوطه‌ی رمچاه (QS 5)، دید از شرق.



محوطه شمار فراوانی ماسه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود، پراکندگی صدف و حلزون‌های دریایی نیز بر سطح محوطه قابل توجه است. پراکندگی سفال بر سطح محوطه به‌خصوص در بخش‌های خاک‌برداری شده نسبتاً زیاد است. پراکندگی سفال بر سطح این محوطه در محدوده‌ای به ابعاد 100×80 متر دیده می‌شود، اما با توجه به آسیب‌های وارده به محوطه و خاک‌برداری‌های انجام شده به‌نظر می‌رسد، ابعاد محوطه بیشتر بوده است. اشاره به این نکته ضروری است که بقایای فرهنگی دوره‌ی اشکانی فقط در بخش‌های کوچکی از این محوطه دیده شد، که تخمین مساحت آن دشوار است. در واقع بیشتر مساحت این محوطه مربوط به استقرار دوران ساسانی و اوایل اسلام است.

محوطه‌ی پی‌پشت ۴ (QS 129)، محوطه‌ای است با سیمای تپه‌ماهوری با پراکندگی یافته‌های سطحی، به‌ویژه سفال و تکه‌های فلز، که پهنه‌ای به طول حدود ۱۰۰ متر و عرض ۹۰ متر و مساحتی در حدود یک هکتار را در بر می‌گیرد؛ تسطیح زمین در این چشم‌انداز به شدت در حال اجراست که به‌نظر می‌رسد بیشتر برای ایجاد جاده و ساخت و سازهای ساحلی انجام می‌شود (شکل: ۵). براساس مشاهداتی بر دیواره‌ی چند گودال حفاری غیرمجاز در این محوطه روشن است که نهشته‌های آن ماهیتی استقراری دارد. امروزه در اطراف این محوطه تا فاصله‌ی دست‌کم ۱ کیلومتری زمین قابل کشت دیده نمی‌شود. با توجه به وجود شمار فراوانی تکه‌ها فلز (به‌خصوص در بخش شمالی که در محدوده‌ای به ابعاد 20×20 متر دیده می‌شود) و خاکستر بر سطح محوطه احتمالاً محوطه کارکردی بندرگاهی-صنعتی داشته است. بیشتر سفال‌های به‌دست آمده از سطح این محوطه مربوط به دوره‌ی هخامنشی هستند و مواد مرتبط با دوره‌ی اشکانی فقط بخش کوچکی از یافته‌ها را تشکیل می‌دهد، بنابراین استقرار اصلی این محوطه مربوط به دوره‌ی هخامنشی است.

محوطه‌ی سوزا ۵ (QS 36) نیز از محوطه‌های ساحلی است که در جنوب جزیره و در فاصله‌ی ۳۰۰ متری سوزا قرار گرفته است. چشم‌انداز این محوطه به‌دلیل



شکل ۵: نمای عمومی محوطه‌ی پی‌پشت ۴ (QS 129)، دید از غرب.

نزدیکی به شهر سوزا شدیداً دست‌خوش تغییر شده و زمین‌های اطراف آن به سرعت در حال تسطیح شدن است. مساحت این محوطه بر اساس پراکندگی یافته‌های سطحی آن حدود ۴ هکتار برآورد شد. اشاره به این نکته ضروری است که بقایای فرهنگی اشکانی فقط در بخش‌های کوچکی از این محوطه دیده شد که تخمین مساحت آن دشوار است. در واقع بیشتر مساحت این محوطه مربوط به استقرار دوران اسلامی آن است. در انتهای بخش غربی محوطه کانال عریض و عمیقی در دل صخره کنده شده که کاربرد آن نامشخص است.

۲. محوطه‌های گورستانی

در بررسی‌های جزیره‌ی قشم شمار فراوانی گور سنگ‌چین شناسایی و ثبت شد. سنت تدفین به شکل سنگ‌چین از دوره‌ی مفرغ تا دوره‌ی اشکانی در این منطقه رواج داشته و تا دوره‌ی ساسانی تداوم داشته است. این گورها از نظر ساختار و شکل ظاهری مشابه و معمولاً بر ستیغ و بالای کوه‌ها، و شمار اندکی نیز در دشت‌های مسطح ایجاد شده‌اند. از استان‌های: کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان شمار زیادی از این گورها شناسایی و گزارش شده است. پراکندگی این‌گونه گورها بسیار گسترده و از پاکستان تا غرب ایران گزارش شده‌اند (خسروزاده ۱۳۸۶). در حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس نیز شمار زیادی گور سنگ‌چین شناسایی و کاوش شده است که بیشتر مربوط به دوره‌ی سلوکی-اشکانی هستند.

گورهای سنگ‌چین شناسایی شده در قشم

الف. گورهای پشته سنگی: این‌گونه گورها به شکل دایره یا بیضی، در ابعاد کوچک و بزرگ‌اند که قطر آن‌ها گاهی به ۱۰ متر می‌رسد. این‌گونه گور با استفاده از سنگ‌های لاشه و تخت به شکل پشته سنگ‌های بیضی، دایره و

شکل ۶: نمونه‌ای از گورهای
پشته سنگی محوطه‌ی (QS
107)، دید از شمال شرق.



گاهی چهارگوش ایجاد شده‌اند (شکل: ۶). چنین گورهایی در منطقه‌ی جنوب‌شرق فراوان است. چنین گورهایی یا بر سطح صخره‌ای یا بر بستر خاکی کوه‌ها و تپه‌ها ایجاد شده‌اند. محوطه‌های گورستانی خالدین ۱ (QS 85)، خالدین ۲ (QS 87)، خالدین ۳ (QS 88)، زینبی ۶ (QS 105)، زینبی ۷ (QS 106)، زینبی ۸ (QS 107)، دفاری دارای این‌گونه گورها هستند.

ب. **گورهای استوانه‌ای:** این‌گونه گورها به شکل بیضی، چهارگوش یا دایره‌ای‌ست که با استفاده از سنگ‌های لاشه بدون ملات و به شکل خشکه‌چین ساخته شده‌اند. در نمونه‌های دیگر نقاط جنوب‌شرق که تقریباً سالم باقی‌مانده، به‌نظر می‌رسد سقفی تقریباً قوسی شکل دارند. بخشی از قوس تعدادی از این گورها هنوز سالم باقی‌مانده است. این قوس سقف در گورستان فرهادی بردسیر (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۱۶۲) و دمپ کوه با استفاده از سنگ‌های تخت و بدون ملات ایجاد شده است (Stein, 1936: 76).

در جزیره‌ی قشم نیز گورهای گورستان ریگو (QS 31) از این‌گونه هستند. این گورستان بر سطح تقریباً مسطح، در بالای کوه صخره‌ای دیده می‌شود. گورهای این گورستان به شکل بیضی یا چهارگوش هستند که با استفاده از ماسه سنگ‌های همان کوه، بر بستر صخره‌ای ایجاد شده‌اند. ساختار اصلی این گورها تخریب شده و فقط ارتفاع کمی از دیوارهای سنگ‌چین دور گور سالم باقی‌مانده است (تصویر: ۴-۲۱)، (خسروزاده، ۱۳۸۶: ۲۳).

در سواحل جنوبی خلیج فارس نیز از دوره‌ی سلوکی و اشکانی شمار فراوانی گور شناسایی و تعدادی نیز کاوش شده است؛ از جمله می‌توان به گورهای سنگ‌چین منطقه‌ی دیبا (Dibba) در شارجه‌ی امارات (Jasim, 2006: 215-16; fig. 7). رأس مُسندَم و جزیره‌العَتم در عمان (De Cardi et al. 1975: 22-23)، وادی صَفَد در امارات (King & Maren-Griesebach, 1999: 11-14)، منطقه‌ی کَلبا در امارات

(Philips 2009) و منطقه‌ی ایبرا در عمان (Yule & Kervran, 1993: 98)، (Ibra, fig. 15) اشاره کرد.

مقایسه‌ی تطبیقی یافته‌ها

از سطح محوطه‌های اشکانی قشم شمار زیادی سفال شاخص مربوط به جنوب‌شرق ایران و سواحل جنوبی خلیج فارس به‌دست آمد. یکی از مهم‌ترین گونه‌های سفالی یافت شده از محوطه‌های قشم، سفال خشن سیاه رنگ است. این گونه ظروف خمیره‌ای به رنگ سیاه یا خاکستری تیره، دارند. شاموت به‌کار رفته در خمیره‌ی سفال شن ریز و درشت و گاهی ذرات سفید رنگ است که معمولاً پوششی سیاه بر سطح خارج شماری از سفال‌ها دیده می‌شود. حرارت برای پخت این گونه سفال زیاد بوده و خمیره‌ای سخت و خشن دارد (شکل: ۷). بیشتر تکه سفال‌های مربوط به این گونه از رنگ سیاه تا خاکستری متغیر هستند، اما گاهی اوقات قطعاتی به رنگ قرمز و نارنجی نیز در بین آن‌ها دیده می‌شود که مربوط به پخت آن‌ها در کوره است. در خمیره‌ی آن شمار فراوانی شن درشت زاویه‌دار خشن وجود دارد. وجود شمار فراوانی سوراخ‌های بزرگ هوا به‌دلیل پودر شدن ذرات آهک است که سطح سفال را سوراخ سوراخ کرده است. این ظروف همچنین به خاطر سختی‌شان بسیار شاخص هستند به‌طوری‌که دیواره‌ای ضخیم و صدایی شبیه فلز دارند. چندین نمونه که سطح و مغزشان شیشه‌ای شکل شده بود نیز یافت شد.

از این گونه شمار زیادی از سطح محوطه‌ی دُفاری (QS5)، گُربه‌دان ۲ (QS 72) و لنج‌سازی ۳ (QS 132) در قشم به‌دست آمد. تمامی تکه‌های جمع‌آوری شده مربوط به ظروف بزرگ، خمیره‌ها و کوزه‌هایی هستند که ضخامت آن‌ها بیش از یک سانتی‌متر است. این گونه ظروف لبه‌هایی چهارگوش دارند که سطح



شکل ۷: منتخبی از سفال‌های سیاه خشن سیاه‌رنگ.

بیرونیشان معمولاً گود و شیاردار است (شکل ۹: ۶-۱). در بسیاری از نقاط جنوب و جنوب‌غرب ایران این گونه سفال با ویژگی‌هایی متفاوت به‌دست آمده است. اما در بررسی‌های رأس بیلاریار در ابوظبی (امارات متحده‌ی عربی) سفالی کاملاً مشابه با نمونه‌های محوطه‌ی دفاری به‌دست آمده که به‌نام سفال سیاه حرارت دیده‌ی خشن با ماده‌ی چسباننده‌ی سفید رنگ نام‌گذاری شده‌اند (Hellyer & King, 1999: 120; figs. 1-4).

خمره‌های شماره‌ی ۱ تا ۶ (شکل: ۹)، با لبه‌ی شیاردار از نمونه‌های شاخص این‌گونه هستند که از محوطه‌های دفاری و گربه‌دان در قشم به‌دست آمده‌اند. خمره‌هایی تقریباً مشابه با این خمره‌ها از تپه یحیی به‌دست آمده است؛ هر چند رنگ خمیره‌ی آن متفاوت است (Lamberg-Karlovsky, 1970: Fig. 5. C). در کاوش گورهای اشکانی دیبا (Jasim, 2006: 220; fig. 27: 1-7)، اددور (Salles, 1984: 246-247) و ملیحا (Benoist et al. 2003: 66, Fig. 8: 11-12) نیز این‌گونه سفال به‌دست آمده است. این‌گونه سفال در ملیحا از دوره‌ی پیش از اسلام متأخر D (نیمه‌ی دوم قرن دوم تا قرن اول پیش از میلاد) ظاهر شده و در طی دوره‌ی پیش از اسلام متأخر C و D شمار آن فراوان شده و به بیش از ۲۷ درصد مجموعه‌ی سفالی به‌دست آمده از قلعه‌ی ملیحا می‌رسد (Benoist et al. 2003: 66, Fig. 8: 11-12). قدیمی‌ترین این نمونه سفال در دوره‌ی IIIA از ملیحا به‌دست آمده است (Boucharlat & Mouton, 1993: 226-231, figs. 16. 1-3, 8). این‌گونه تا قرن سوم بعد از میلاد و یا حتی جدیدتر ادامه پیدا کرده است (Ben-oist et al. 1994: 13, 15, figs. 15. 6-12. 1-3, pl.2).

در کاوش‌های انجام گرفته در اددور و رأس بیلاریار نیز این‌گونه سفال به قرن اول و دوم میلادی تاریخ‌گذاری شده است (Hellyer & King, 1999; Kennet, 2007: 94).

گونه‌ی شاخص دیگر به‌دست آمده از سطح محوطه‌های قشم، سفال منقوش یک یا دو رنگ است (شکل ۱۰: ۱۰-۱۲). این‌گونه سفال به رنگ نارنجی، نارنجی قرمز یا بژ دیده می‌شود و از ماسه در نمونه‌های ظریف و از ترکیب شن و ماسه در نمونه‌های معمولی در خمیره‌ی آن استفاده شده است. اغلب سفال‌ها پوششی به رنگ قهوه‌ای و قهوه‌ای قرمز دارند که در شماری از سفال‌ها سطح خارجی صیقلی شده است. نقوش در نمونه‌های یک رنگ اغلب به رنگ سیاه و در نمونه‌های دو رنگ به رنگ سیاه، قهوه‌ای یا قهوه‌ای قرمز اجرا شده است. در کاوش‌های گورستان رَمَشک سفال نارنجی منقوشی کاملاً مشابه به گونه‌های یافت شده از قشم به‌دست آمده است. این سفال در رَمَشک پوششی به رنگ بژ یا نارنجی دارد و با نقش مایه‌های سیاه یا قرمز تزیین شده است (چوبک، ۱۳۸۳: ۱۷۱). در کاوش‌های تپه یحیی سفال گونه‌ی ظریف منقوش دورنگ و چندرنگ از لایه‌ی Ia و II به‌دست آمده است. سفال منقوش دورنگ نقوشی به رنگ سیاه روی پوشش نارنجی یا نخودی دارد در حالی که سفال چندرنگ، نقوش به رنگ سیاه، و قرمز روی پوشش نخودی اجرا شده‌اند (Lamberg-Karlovsky, 1971: 182; 1972: 91 fig.1: A-C). هرینک این‌گونه سفال را مشخصه‌ی بلوچستان و منطقه‌ی جیرفت دانسته و این‌گونه را متعلق به سده‌ی سوم تا اول پیش از میلاد می‌داند (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۴۵).



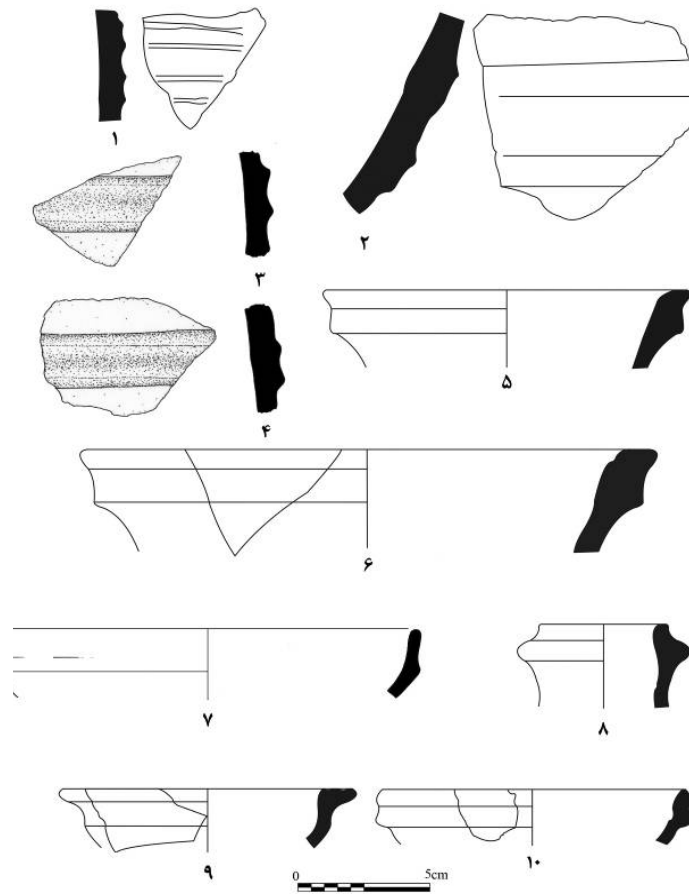
شکل ۸. منتخبی از سفال‌های لعاب‌دار.

این گونه سفال از بررسی‌های سطحی (Salles, 1984: 247; fig 11: 113-126) و کاوش‌های سال ۱۹۸۸ در اددور به‌دست آمد (Haerincx et al. 1991: 53, fig. 41). این گونه سفال کاملاً مشابه به سفال یک‌رنگ و دورنگ جنوب‌شرق ایران است (خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵). سفال گونه‌ی منقوش یک و دو رنگ در اددور به قرن اول و دوم میلادی تاریخ‌گذاری شده است (Mouton, 1992: fig. 75). از گور کاوش شده در شرم (Sharm) واقع در شارجه‌ی امارات (Petrie, 2000: fig. 4, 82). از گورهای خط (Khatt) واقع در رأس‌الخیمه (De Card, 1996: 83, fig. 1. 2) نیز این گونه‌ی سفالی به‌دست آمده است.

سفال لعاب‌دار یکی از شاخص‌ترین گونه‌های سفالی دوره‌ی اشکانی‌ست که تقریباً در تمامی مناطق تحت کنترل این سلسله دیده می‌شود. گونه‌ی لعاب‌دار به‌دست آمده از سطح محوطه‌های قشم خمیره‌ای به رنگ زرد، کرم مایل به زرد، نخودی و بژ دارد. ماده‌ی چسباننده‌ی آن ماسه و شن ریز و حرارت برای پخت سفال کافی بوده است. لعاب به‌کار رفته بر سطح سفال به رنگ سبز، آبی و فیروزه‌ای است. لعاب معمولاً ترک خورده و مات است. گونه‌ی لعاب‌دار از محوطه‌ی رمچاه، بنگالی، گربه‌دان و دفاری به‌دست آمد (شکل ۹: ۷-۱۰).

سفال گونه‌ی لعاب‌دار قشم از نظر ویژگی‌های فنی مشابه سفال گونه‌ی لعاب‌دار خوزستان و بین‌النهرین است. شباهت آن به گونه‌ی لعاب‌دار معرفی شده از محوطه‌های جنوب خلیج فارس به‌ویژه محوطه‌های اددور، سوهار، بحرین، و سایر محوطه‌ها نیز بسیار زیاد است.

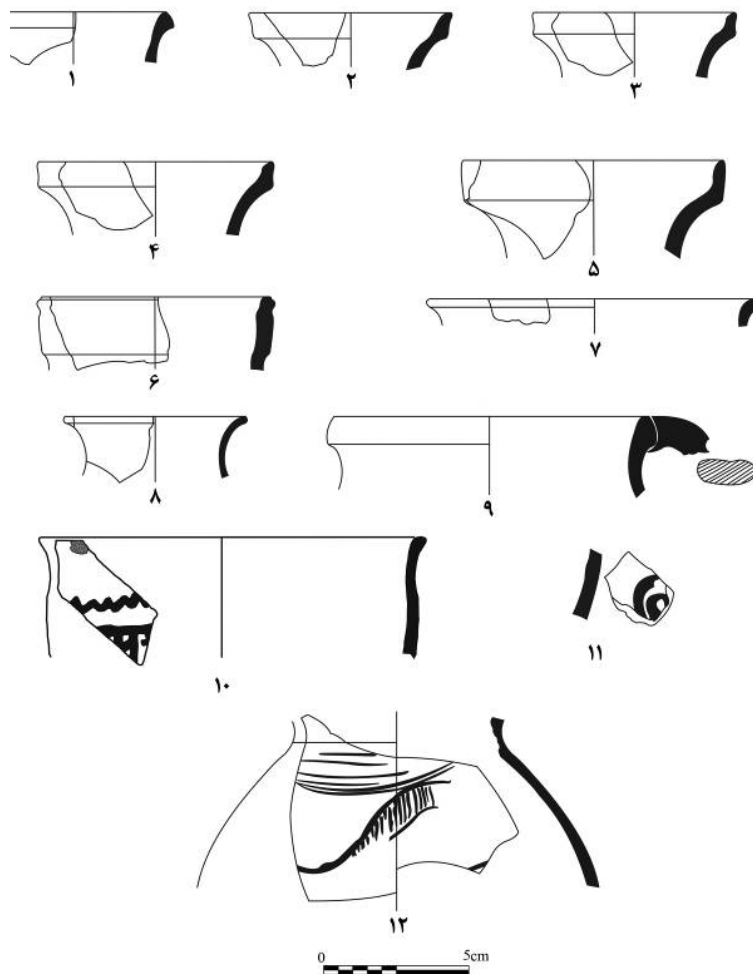
در بین سفال‌های لعاب‌دار به‌دست آمده از محوطه‌های قشم می‌توان نمونه‌های مشابه آن‌ها را در محوطه‌های اشکانی جنوب خلیج فارس دید برای مثال، شکل ۹: شماره ۹ مشابه به نمونه‌های لعاب‌دار به‌دست آمده مربوط به



شکل ۹: منتخبی از طرح سفال‌های محوطه‌های اشکانی قشم.

جدول: توصیفات و نمونه‌های تطبیقی سفال‌های اشکانی شکل ۱۰.

شماره	توصیف	محوطه	نمونه‌های تطبیقی
۱	خاکستری قرمز، شاموت شن ریز و متوسط، خشن، چرخ‌ساز، پوشش سیاه بر سطح خارج و داخل، نقوش فشاری در خارج و شیارهای عمیق ایجاد شده در خارج.	QS 6	King and Tanghini 1998, fig. 5: b Jasim 2006, fig. 27: 3 Zaidi et al 2006, fig. 6.24. MSP. 1731 خسروزاده و دیگران ۱۳۸۵، شکل ۶۵
۲	خاکستری تیره، سطح داخل قهوه‌ای، شاموت شن ریز و سنگ‌ریزه، خشن، چرخ‌ساز، بدون پوشش، دارای نقوش فشاری بر سطح خارج.	QS 6	de Cardi 1984, fig. 9: 12 Salles 1984, fig. 11: 110 King and Tanghini 1998, fig. 5: d Jasim 2006, fig. 27: 2
۳	خاکستری تیره، شاموت شن ریز و متوسط، خشن، چرخ‌ساز، نقش افزوده-ی نواری شکل بر سطح خارج.	QS 72	de Cardi 1984, fig. 9: 12 Salles 1984, fig. 11: 110 King and Tanghini 1998, fig. 5: d Jasim 2006, fig. 27: 2
۴	خاکستری تیره، شاموت شن ریز و متوسط، خشن، چرخ‌ساز، نقش افزوده-ی نواری شکل بر سطح خارج.	QS 72	de Cardi 1984, fig. 9: 12 Salles 1984, fig. 11: 110 King and Tanghini 1998, fig. 5: d Jasim 2006, fig. 27: 2
۵	خاکستری تیره، شاموت شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش سیاه بر سطح خارج.	QS 6	Salles 1984, fig. 10: 88 Boucharlat 1986, fig. 151: 7 Lecomte 1993, fig. 9:8
۶	خاکستری تیره، شاموت شن ریز و متوسط، معمولی تا خشن، چرخ‌ساز، پوشش سیاه بر سطح خارج.	QS 6	Lamberg-Karlovsky 1970, fig. 5:c Boucharlat 1986, fig. 150: 7 Salles 1984, fig. 10: 98 Lecomte 1993, fig. 9:8; fig. 13: 14
۷	تخودی، شاموت ماسه و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، لعاب سبز بر سطح داخل و خارج.	QS 162	
۸	کرم زرد، شاموت شن نرم، معمولی، چرخ‌ساز، لعاب فیروزه‌ای بر دو سطح.	QS 31	Boucharlat and labrosse 1979, fig.34: 18
۹	کرم زرد روشن، شاموت شن نرم، معمولی، چرخ‌ساز، لعاب آبی ریخته بر دو سطح.	QS 5	Boucharlat 1986, fig. 150: 2 Lecomte 1993: fig. 4: 13
۱۰	کرم زرد، شاموت شن نرم، معمولی، چرخ‌ساز، لعاب فیروزه‌ای بر دو سطح.	QS 6	Boucharlat 1987, fig. 63: 2; fig.59: 14 Miroshedji 1987, fig. 19: 10 خسروزاده و عالی ۱۳۸۴، شکل ۱۴: ۱۲



شکل ۱۰: منتخبی از طرح سفال‌های محوطه‌های اشکانی قسم.

شماره	توصیف	محوطه	نمونه‌های تطبیقی
۱	نخودی نازنجی، شاموت ماسه، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	QS 31	Salles 1984, fig. 4: 21 Whitcomb 1987, fig. E: G
۲	نازنجی، شاموت ماسه و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نخودی بر سطح خارج.	QS 6	Lecomte 1993, fig. 11:6 Potts 1990, fig. 2: 10
۳	نازنجی، شاموت ماسه، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	QS 6	Lecomte 1993, fig. 11:6
۴	نازنجی، شاموت ماسه، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	QS 6	Potts 1990, fig. 2: 10 Lecomte 1993, fig. 11:6
۵	نخودی نازنجی، شاموت ماسه و ذرات گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، دارای پوشش نخودی در داخل و خارج.	QS 6	Lamberg-Karlovsky 1970, fig. 6: G Salles 1984, fig. 6: 43
۶	قهوه‌ای قرمز کم رنگ، شاموت ماسه و دانه‌های درشت سفید رنگ، معمولی چرخ‌ساز، دارای پوشش قهوه‌ای خاکستری در دو سطح.	QS 31	King and Tonghini 1998, fig. 3: i
۷	نخودی نازنجی، شاموت ماسه و شن ریز مواد گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	QS 6	Lecomte 1993, fig. 9:1
۸	قهوه‌ای روشن، شاموت شن ریز و ذرات براق، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نخودی در داخل و خارج.	QS 37	Lecomte 1993, fig. 12: 6
۹	نخودی نازنجی، شاموت ماسه، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نازنجی بر سطح خارج.	QS 37	Boucharlat 1986, fig. 14: 15 Whitcomb 1985, fig. 44: b
	نازنجی، شاموت ماسه و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش قرمز بر سطح خارج، نقوش سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	QS 6	
۱۱	نخودی نازنجی، شاموت ماسه، شن ریز و دانه‌های سفید رنگ و مواد گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، دست مرطوب در خارج و نقوش سیاه رنگ در خارج.	QS 6	
۱۲	نازنجی مایل به قهوه‌ای روشن، شاموت ماسه و ذرات سفید، ظریف تا معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نازنجی روشن در خارج، نقوش سیاه رنگ با خطوط افقی دور کردن و نقوش نردبانی در خارج.	QS 5	

جدول: توصیفات و نمونه‌های تطبیقی سفال‌های اشکانی شکل ۱۰.

دوره‌ی اشکانی از قلات بحرین است (Boucharlat, 1986, fig. 150. 2). از ادودور نیز شکلی مشابه به این گونه به دست آمده است (Lecomte, 1993: fig. 4: 13). گونه‌ی شماره‌ی ۸ که کوزه‌ی گردن‌دار است از نمونه‌های رایج دوره‌ی اشکانی در شوش است (Boucharlat & Labrosse, 1979: fig. 34. 18). گونه‌ی شماره ۱۰ از گونه‌های بسیار رایج سفال لعاب‌دار اشکانی خوزستان است که از شوش و میاناب گزارش شده است (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: شکل ۱۴۱: ۱۲)، (Boucharlat, 1987, fig. 19: 10; Miroschedji, 1987, fig. 59: 14; fig. 63: 2). از گورهای اشکانی منطقه‌ی دیبا در شارجه‌ی امارات شمار زیادی سفال لعاب‌دار به دست آمده که از نظر ویژگی‌های فنی مشابه به ظروف لعاب‌دار قشم و سواحل شمالی خلیج فارس، به خصوص منطقه‌ی خوزستان هستند (Jasim, 2006: 219-20; fig. 17-21).

نتیجه‌گیری

جزیره‌ی قشم یکی از مهم‌ترین مکان‌ها در شبکه ارتباطی تجاری در دوره‌های تاریخی و اسلامی بوده است. وجود شمار زیادی محوطه، با مواد فرهنگی غنی که نشان دهنده‌ی گردش و داد و ستد کالا در این دوره‌ها با دیگر مناطق از جمله شرق و جنوب آسیا و جنوب خلیج فارس است، صحت این گفته را تأیید می‌کند. جزیره‌ی قشم با توجه به موقعیت استراتژیک و قرارگیری‌اش در نزدیکی دهانه‌ی تنگه‌ی هرمز و نیز نزدیکی آن به سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس، به نظر می‌رسد نقش بسیار مهمی در ایجاد ارتباط تجاری و اقتصادی مناطق شمالی و جنوبی خلیج فارس و سایر مناطق داشته است.

آثار این دوره بیشتر در محوطه‌هایی دیده شد که دارای مواد سطحی دوره‌ی بعد، یعنی ساسانی و اسلامی است. در تمام این محوطه‌ها مواد مرتبط با دوره‌ی اشکانی فقط بخش کوچکی از یافته‌ها را تشکیل می‌دهد، بنابراین احتمالاً استقرار اصلی مربوط به دوره‌ی بعد یعنی ساسانی و اسلامی است. از جمله‌ی این محوطه‌ها می‌توان به: QS 132, QS 160, QS 162 و QS 163 اشاره کرد. در دو محوطه نیز استقرار اصلی مربوط به دوره‌ی اشکانی بوده، که از فراوانی یافته‌های سطحی‌شان دانسته می‌شود. هر دو محوطه (دُفاری و گربه‌دان) پس‌کرانه‌ای هستند. تمامی استقرارهای این دوره به شکل روستاهای کوچک و بزرگ یک‌جانشین و یا محوطه‌های ساحلی هستند و محوطه‌ی بزرگی که ویژگی یک شهر را داشته باشد در این جزیره شناسایی نشد.

هیچ‌یک از محوطه‌های اشکانی شناسایی شده در جزیره‌ی قشم به شکل تپه‌ی باستانی مربوط به چند دوره نیستند، هرچند محوطه‌های بزرگی مثل: دُفاری و لافت ۱ وجود دارند که تپه باستانی نیستند، ولی بر سطح آن‌ها بقایای فراوانی مربوط به دوره‌ی: هخامنشی، اشکانی، ساسانی و اسلامی وجود دارد. بیشتر محوطه‌ها در بخش‌های حاصلخیز دشت‌ها و کنار سواحل قرار گرفته‌اند و مواد فرهنگی به دست آمده از سطح آن‌ها نشان می‌دهد که مربوط به چند دوره‌ی فرهنگی استقرار هستند. بر سطح این محوطه‌ها ساخت و سازهای سنگی متعدد نیز به شکل مخروطی دیده می‌شود. شماری از محوطه‌ها نیز بر بستر صخره‌ای کوه‌ها قرار گرفته‌اند. کوچک‌ترین محوطه‌ی استقرار پارتی ثبت شده نیز

محوطه QS 60 است که بر سطح تپه کوچک کم ارتفاعی قرار گرفته است. در بررسی اجمالی مدارک به دست آمده از فعالیت‌ها و استقرارهای دوره‌ی پارسی در جزیره‌ی قشم روشن می‌شود که افزایش چشم‌گیر در تعداد محوطه‌ها و گورستان‌ها نسبت به دوره‌ی آهن و هخامنشی رخ می‌دهد^۱. مهم‌ترین تفسیری که در ارتباط با افزایش تعداد محوطه‌ها و جمعیت قشم در دوره‌ی اشکانی می‌توان داشت، گسترش تجارت دریایی در این دوره است. اما بدون شک تجارت تنها عامل تولید ثروت و گسترش اقتصاد در تمامی نواحی جزیره‌ی قشم نبوده است. ضمن این که شماری از محوطه‌های مطالعه شده در این پژوهش را به دلیل موقعیت ساحلی و یا اجناس خارجی که در آن‌ها یافت می‌شود، نمی‌توان محل بازرگانی دانست. اما با توجه به این که اجناس خارجی در این محوطه‌ها یافت می‌شود، احتمالاً این محوطه‌ها مرتبط با بازرگانی غیر مستقیم بوده‌اند. یعنی این اجناس از جایی به غیر از خاستگاه اصلی‌شان به این محوطه‌ها رسیده‌اند. و یا این که این محوطه‌ها مراکز بین راهی بوده‌اند که کشتی‌ها در آن‌جا برای تأمین آب و آذوقه توقف می‌کردند. این محوطه‌ها اساساً به منظور بازرگانی و تجارت ایجاد نشده‌اند و دلایل دیگری از جمله صید ماهی موجب ایجاد این محوطه‌ها شده است. با این حال هر چند این محوطه‌ها یک مکان بازرگانی نیستند، اما به اندازه‌ی محوطه‌های بازرگانی و تجاری به کالاهای خارجی دسترسی داشته‌اند. محوطه‌های دفاری، رمچاه و لافت ۱ از این گونه‌اند.

در شماری از محوطه‌های اشکانی شناسایی شده در جزیره‌ی قشم شواهدی مبنی بر وجود کارگاه‌ها و فعالیت‌های صنعتی وجود دارد. بر سطح این محوطه‌ها شمار فراوانی جوش و سرباره‌ی شیشه و سرباره فلز وجود دارد.

مبنای معیشت زیستی ساکنان جزیره‌ی قشم منابع دریایی بوده و علاوه بر آن منابع زیستی دیگری نیز استفاده می‌کرده‌اند که با توجه به شواهد امروزی می‌توان به کشت گندم و جو و درختان نخل اشاره کرد. تصویر ماهواره‌ای جزیره‌ی قشم نشان می‌دهد که تمامی محوطه‌های اشکانی دور از ساحل در بخشی از جزیره واقع شده‌اند که امروزه حاصلخیز و قابل کشت است. در دهه‌های اخیر به واسطه‌ی استفاده از فناوری بخش عمده‌ای از دشت توریان برای کشاورزی استفاده شده است. در این بخش‌ها احتمال دارد که محوطه‌های پارسی دیگری نیز وجود داشته که در بررسی‌ها شناسایی نشده است.

به نظر می‌رسد دشت‌های میان‌کوهی قشم به رغم مجاورت با ساحل دریا دارای شرایط زیستی مناسب و خاک حاصلخیز بوده و به همین دلیل، احتمالاً طی دوره‌های مختلف از عصر مفرغ^۲ به بعد در این دشت‌ها روستاهایی وجود داشته که ساکنان آن کشاورز بوده‌اند. هر چند شرایط این دشت‌ها به گونه‌ای بوده که کشاورزی در آن دشوارتر از دیگر مناطق ایران بوده است، ولی با وجود این شرایط زیستی بخش‌هایی از این منطقه به خصوص دشت توریان برای شکل‌گیری شمار زیادی سکونت‌گاه کافی بوده است. در این دشت منابع قابل توجه آب‌های زیرزمینی وجود دارد که امروزه نیز بیشتر آب شیرین جزیره در این دشت است و چاه‌های آب فراوانی نیز در این قسمت وجود دارد.

۱. طی دو فصل بررسی در جزیره‌ی قشم ۸ محوطه مربوط به دوره‌ی آهن و هخامنشی شناسایی و ثبت شد.
۲. تاکنون قدیمی‌ترین استقرارهای شناسایی شده در جزیره‌ی قشم مربوط به این دوره است (خسروزاده، ۱۳۹۲).

آب همیشه مهم‌ترین مسأله برای انسان از گذشته تا حال بوده است. جمع‌آوری و ذخیره‌ی آب باران راهی مطمئن برای تهیه‌ی آب آشامیدنی است. به همین دلیل آب‌انبارهای متعددی در جزیره ساخته شده است. اگرچه بیشتر این آب‌انبارها مربوط به دوره‌ی متأخر هستند. این آب‌انبارها در بیشتر جزایر خلیج فارس دیده می‌شوند. آب‌انبارهای ساخته شده در جزیره‌ی قشم بزرگ و عمیق هستند. این آب‌انبارها معمولاً بر دامنه یا انتهای دامنه‌ی کوه‌های صخره‌ای ایجاد شده تا به راحتی بتوانند آب باران را به داخل آن‌ها هدایت کنند. این آب‌انبارها بیضی و چهارگوش‌اند و به دو شکل روباز یا سرپوشیده با پوشش گنبد دیده می‌شوند. به‌غیر از آب‌انبارها، شماری سد نیز در بخش‌های مختلف جزیره برای ذخیره و انتقال آب ساخته شده که از مهم‌ترین این سدها می‌توان به سد پی‌پشت، اشاره کرد. هرچند هیچ‌یک از این سدها و آب‌انبارها را نمی‌توان به دوره‌ی اشکانی منتسب کرد، اما به‌نظر می‌رسد در دوره‌ی اشکانی نیز چنین سیستمی برای ذخیره‌ی آب وجود داشته است.

شبهات‌های زیاد بین سفال‌های دوره‌ی اشکانی جزیره‌ی قشم با سفال محوطه‌های سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس نشان‌دهنده‌ی نوعی کنش متقابل بین ساکنان این محوطه‌هاست، و این موضوع را نشان می‌دهد که ساکنان قشم با شبکه‌های وسیعی در ارتباط بوده‌اند. اما سفال‌های به‌دست آمده از قشم در کجا تولید می‌شده‌اند؟ با توجه به گستردگی پراکندگی سفال در این محوطه‌ها به‌نظر می‌رسد تولید سفال در این منطقه تخصصی بوده و در محوطه‌های استقراری تولید نمی‌شده. برای مثال می‌توان به شماری از محوطه‌های میناب اشاره کرد که اساساً محوطه‌های صنعتی و کارگاهی بوده‌اند (خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵؛ سرلک، ۱۳۹۲: ۳۳۹).

به‌نظر می‌رسد قشم مکانی برای تلاقی دو سنت منطقه‌ای (جنوب‌شرق ایران و جنوب‌شرق شبه‌جزیره‌ی عربستان) بوده است، به‌طوری‌که در این دوره، سفال‌های: منقوش، خشن سیاه‌رنگ، با پوشش قرمز و قهوه‌ای و لعاب‌دار شاخص جنوب‌شرق ایران و سواحل جنوبی خلیج فارس از سطح محوطه‌ها به‌دست آمد.

کتابنامه

- استرابو، ۱۳۸۲، جغرافیا، ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- بابک راد، جواد، ۱۳۴۸، بررسی‌های استان ساحلی، قشم، مرکز اسناد سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، (منتشر نشده).
- بابک راد، جواد، ۱۳۵۰، "آثار ساسانی خلیج فارس (جزیره قشم)"، بررسی‌های تاریخی، ج ۴، ش ۳۰-۱.
- چوبک، حمیده، ۱۳۸۳، تسلسل فرهنگی جازموریان-شهر قدیم جیرفت در دوره‌ی اسلامی، رساله‌ی دکتری، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۵، گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناختی جزیره‌ی قشم، مرکز اسناد پژوهش‌کده‌ی باستان-شناسی، تهران (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۶، "مروری بر گورهای سنگ‌چین جنوب‌شرق

ایران"، نامه‌ی پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، شماره‌های ۲۰ و ۲۱، پاییز و زمستان: ۱۰۴-۸۹.

- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۹۱، "بنادر و مراکز مهم تجاری و استقراری دوره‌ی اشکانی خلیج فارس در منابع کلاسیک"، پژوهش‌نامه‌ی خلیج فارس، دفتر چهارم، به کوشش: عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران، خانه کتاب: ۳۹-۶۶.

- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۹۲، نتایج به‌دست آمده از فصل دوم بررسی باستان‌شناختی جزیره‌ی قشم، مجموعه مقالات یازدهمین گردهم‌آیی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران، تهران، آذر ۱۳۹۱، تهران، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی (زیر چاپ).

- خسروزاده، علیرضا، عالی، ابولفضل، ۱۳۸۴، "گزارش کاوش لایه‌نگاری تپه داروغه"، بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، به کوشش: عباس مقدم، تهران، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی: ۴۹۷-۵۲۳.

- خسروزاده، علیرضا، عالی، ابولفضل، کنت، درک و ست پرستمَن، ۱۳۸۵، "کهور لنگرچینی، بندرگاهی اشکانی بر ساحل خلیج فارس"، گزارش‌های باستان‌شناسی ۵، تهران، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی: ۷۰-۵۵.

- سرلک، سیامک، ۱۳۹۲، "کاوش‌های باستان‌شناسی در نخل ابراهیمی و مغ بریمی شهرستان میناب (۱۳۸۶-۱۳۹۰)"، پژوهش‌نامه‌ی خلیج فارس، دفتر ششم، به کوشش: عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران، خانه کتاب: ۳۴۲-۳۱۵.

- فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان هرمزگان، شهرستان قشم، ۱۳۸۳، اداره‌ی جغرافیای سازمان نیروهای مسلح، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- هرینگ، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوره اشکانی، ترجمه: حمیده چوبک، تهران، سازمان میراث‌فرهنگی کشور.

- Arrian, 1983. Indica, Translated by. P. A. Brunt, Leob Press, Harvard College.

- Benoist, A., Mokaddem, K., & Mouton, M. 1994. "Excavations at Mleiha site: The 1993 and 1994 seasons", Archaeological Surveys and Excavations in the Sharjah Emirate, 1993 & 1994: A Seventh Interim Report, (Mouton, M.) ed. Lyon, Maison de l'Orient: 11-19.

- Benoist, A. Mouton, M. Schiettecatte, J. 2003. "The Artifacts from the fort at Mleiha: Distribution, origins, trade and dating", Proceeding of the seminar for Arabian Studies 33: 59-76.

- Boucharlat, R. 1986. "Some notes about Qalat al-Bahrain during the Hellenistic period", Bahrain through the Ages, (Shaikha Haya Ali Al-Khalifa and M. Rice) eds. KPI, Londres: 435-444.

- Boucharlat, R. 1987. Less Niveaux Post-Achemenids a Susa, Sector Nord: Historique des Recherches, Cahiers de la Délégation Archéologie Française en Iran 15: 248-311.

- Boucharlat, R. & Labrousse, A. 1979. Le Palais d Artaxeraxes.II sur la rive droite du Chaour a Suse, Cahiers de la Délégation Archéologie Française en Iran 10: 71-78.

- Boucharlat, R. & Mouton, M. 1993. "Mleiha (3e s. avant J.-C. – 1er/2e s. après J.-C.)", Materialien zur Archaologie der Seleukidem-und Partherzeit im sudlichen Babylonien und im Golfgebiet, (U. Finkbein) ed. Tubin-

gen: E. Wasmuth: 219-250.

- De Cardi, B. 1984. "Survey in Ras al-Khaimah", *Arabie orientale, Mesopotamie et Iran meridional, de l'age du au debut de la period Islamique*, (Boucharlat, R. and S. Jean-Francois) eds. Paris: 201-215.

- De Cardi, B. 1996. "A late Pre-Islamic burial at al-Khatt, U.A.E.", *Arabian archaeology and epigraphy* 7: 82-87.

- De Cardi, B. Vita-Finzi, C. & Coles, A. 1975. "Archaeological survey in Northern Oman, 1972", *East and west* 25: 9-27.

- Haerinck, E. Metdepenning, C. & Stevens, K. G. 1991. "Excavation at ed-Dur (Umm al-Qaiwain, UAE), preliminary report on the second Belgian season (1988)", *Arabian archaeology and epigraphy* 2: 31-60.

- Hellyer, P. & King, G.R.D. 1999. "A Site from the early first millennium AD at Ra's Bilyaryar, Abu Dhabi, U.A.E", *Arabian Archaeology and Epigraphy* 10: 119-123.

- Hojabri-Nobari, A., Khosrowzadeh, A., Mousavi Kouhpar, S. M., & Vahdatinasab, H. 2010. "Trade and Cultural Contacts between Northern and Southern Persian Gulf during Parthians and Sasanians: A Study Based on Pottery from Qeshm Island", *The Intl. J. Humanities*, Vol. 18: 89-115.

- Jasim, S. A. 2006. "Trade centres and commercial routes in the Arabian Gulf: Post-Hellenistic discoveries at Dibba, Sharjah, United Arab Emirates", *Arabian Archaeology and Epigraphy* 17(2): 214-237.

- Kennet, D. 2007. "The decline of eastern Arabia in the Sasanian period", *Arabian Archaeology and epigraphy* 18: 86-122.

- King, G.R.D. & Tonghini, C. 1998. "The western islands of Abu Dhabi Emirate, Notes on Ghagha", *Arabia and her neighbors. Essays on pre-historical developments presented in honour of Beatrice de Cardi*, (C. S Phillips, D. T Potts & J. Searight) eds. Brepols; Abiel II: 117-142.

- King, G & Maren-Griesebach, H. 1999. "A Preliminary survey of the archaeology of the Wadi Safad, Fujairah, United Arab Emirates, 13-15th April, 1995", *Tribulus* vol. 9. 2: 10-18.

- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1970. *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969*, Cambridge: American School of prehistoric Research Bulletin 27.

- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1971. "Tepe Yahya", *Iran* IX: 182.

- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1972. "The cairn burials in Southern Iran", *The Memorial of the Vth International Congress of Iranian Art and Archaeology*, vol. I: 102-110.

- Lecomte, O. 1993. "Ed-Dur, les occupations des 3 et 4e s. ap. J.-C.: Contexte des trouvailles et materiel diagnostique", *Materialien zur Archäologie der Seleukidem-und Partherzeit im sudlichen Babylonien und im Golfgebiet*, (U. Finkbeiner) ed. Tübingen, E. Wasmuth: 195-217.

- Miroshedji, P. de. Dese-Berset, N. & Kervran, M. 1987. "Fouilles du chantier Ville Royal II a Suse (1975-1977): II. Neveaux d'epoques Achemenide, Seleucide, Parthe et Islamique", *Cahiers de la Délégation Archéologie Francaise en Iran* 15: 11-133.

- Mouton, M., 1992. *La Péninsule d'Oman de la fin de l'Age du fer au début de le période Sassanide (250 av.-350 ap. J.C.)*, Unpublished doctoral dissertation, submitted at the université du Paris I (Panthéon-Sorbonne).

- Phillips, C. 2009. "Late Finds from Kalba (United Arab Emirates)", Parthian, Sasanian and Early Islamic Pottery: dating, definition and distribution organized by Seth Priestman & St John Simpson, Department of the Ancient Near East the British Museum: 18-28.
- Petrie, C. 2000. "Late pre-Islamic ceramics from the tomb at Sharm, Fujairah, U.A.E", Arabian Archaeology and epigraphy 11: 80-86.
- Potts, D.T. 1990. The Arabian Gulf in Antiquity, 2 vols. Oxford.
- Salles, J. F. 1984. "Ceramiques de surface a Ed-Dour, Emirates Arabes Unis", Arabie orientale, Mesopotamie et Iran meridional, de lage du au debut de la period Islamique, (Boucharlat, R. and S. Jean-Francois) eds. Paris: 241-270.
- Stein, M. a. 1937. Archaeological Reconnaissances in North Western India and south Eastern Iran, London.
- Whitcomb, D.S. 1985. Before the roses and Nightingales, Excavations at Qasr-I Abu nasr, old Shiraz. New York.
- Yule, P., & Kervran, M. 1993. "More than Samad in Oman: Iron Age Pottery from Suhar and Khor Rori", Arabian Archaeology and Epigraphy, Volume. 4, Issue. 2: 69-106.
- Zaidi, M. McCall, B. & Khosrowzadeh, A. 2006. "Chapter 5: - Survey of Dasht-e Rostam-e Yek and Dasht-e Rostam-e Do", The Mamasani Archaeological Project Stage 1: a Report on the First Two Seasons of the ICAR-University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran, (Potts D.T. & K. Roustaei K) eds. Tehran: 147-159.

in wealth and economic prosperity of the Island. It should be emphasized that all coastal sites with exotic items should not be necessarily considered as trade center, but as they provided exotic items they may be included as a part of the indirect trade system; i.e. these items came to these sites from somewhere else of their origin, or these sites were mid-way sites to the final destination. These sites had not been established essentially as a trade center, but for other reasons, for example as small finishing villages. Although they were not as a trade center, but has had easy access to exotic items likewise. Dofari, Ramchah and Laft 1 were such sites.

Close resemblance between Parthian ceramics of Qeshm sites with those of northern and southern coasts of the Persian Gulf suggests some interactions and indicate the incorporation of inhabitants of these sites into a larger network. But where these potteries came from? Considering the large distribution of pottery in these sites, it seems that the production of pottery was a specialized business which would not have took place in sedentary sites. There are some sites, for example, in Minaab area that were workshop and industrial in character. It seems that Qeshm Island was a hybridization zone for two regional traditions (Southeastern Iran and Southeastern Arabia), because there are frequent examples of painted, coarse black ware with red and brown slip and glazed ware which were recovered from the sites of Southeastern Iran and southern coasts of the Persian Gulf.

Keywords: Qeshm Island, Parthian, Persian Gulf, Southeast of Iran.

PAZHOSHESH-HA-YE
BASTANSHENASI IRAN
Archaeological Researches of Iran
Journal of Department of Archaeology,
Faculty of Art and Architecture
Bu-Ali Sina University

The Parthian Settlements and Sites in the Qeshm Island

Alireza Khosrowzadeh

Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities,
Shahrekord University.

Received: 2013/11/02 - Accepted: 2014/02/10

Abstract

Parthian sites on the northern coast of the Hormuz Strait were totally unknown till we increased our knowledge on the Parthian pottery from the Persian Gulf littorals in the recent years helping identify and record a large number of Parthian sites on the costs of the Hormuz Strait and Qeshm Island in particular. Surveys conducted on the Qeshm Island recorded 23 hinterland, littoral and burial sites. Though, the site location patterns remain intact, the results of these surveys suggest that by the Parthian period the number of sites and the population have increased with the sole exception being higher concentration of Parthian sites on the Turian plain and southern coasts of the Island (around the modern Bangali village). Areas on the Island which extent unsettled began to host some occupations particularly, on western half, and the dense settlements in the Turian plain remained unchanged, where the highest concentration of the 3rd millennium B.C. up to the Achaemenid sites are attested. In fact, in the Parthian period the population growth sets the stage for the extension of the settlements to the hitherto unsettled areas of the Island as well. Moreover, the developed and expanded trade and establishment of adequate facilities related to exploitation of water and environmental resources leads to occupation of the coastal areas.

The Parthian sites are larger than their earlier sites; the settlements all are in form of small or large sedentary villages or littoral sites and there is no large site with characteristics of an urban center was identified. In this period, Qeshm reflects cultural way of the southeastern regions in that the diagnostic wares of these regions (The coarse black ware) are present in the surface collections. The survey data of the Qeshm Island suggest a conspicuous increase in settlements and cemeteries during the Parthian period than those we know from Achaemenid and Iron Age periods. The most significant interpretation one may infer, is that the maritime trade has splended during the Parthian period, but it would not be the sole factor

PAZHOSHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN
Archaeological Researches of Iran
Journal of Department of Archaeology, Faculty of Art and
Architecture Bu-Ali Sina University
Vol. 3 No.5, Autumn-Winter 2014



License Holder (Publisher): **Bu-Ali Sina University**
Manage Director & Editor-in-Chief: **Mohammad Ebrahim Zarei Ph.D.**

Editorial Board:

Jalaledin Rafifar Ph.D

Professor in Faculty of Social Sciences University of Tehran

Bahman Firouzmandi Shirejini Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

Yaghub Mohammadifar Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

Abbas Motarjem Ph.D.

Assistant Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

Mehdi Mortazavi Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Sistan & Baluchestan University

Kazem Mollazadeh Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

Hekmatollah Mollasalehi Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

Seyed Rasoul Mousavi Haji Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

Reza Mehr Afarin Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

Kamal-Aldin Niknami Ph.D.

Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

Ali Reza Hozhabri Nobari Ph.D.

Professor, Department of Archaeology in Tarbiat Modares University

English Editor: **Ardashir Javanmardzadeh**

Executive Director: **Safaneh Sadeghian**

Cover Design: **Gholam Reza Shamlou**

Logo Type: **Professor Ahmad Teymouri**

Layout: **Khalilollah Beik Mohammadi**

Address: **Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina**
University, Ghoobar-e Hamedani blv, Hamedan, Iran

E-Mail: **NBJ@basu.ac.ir & Journal.nbsh@yahoo.com**

Tel: **0811 - 8291129**, Fax: **0811 - 8290941**

Price: **9000 Toman**

(All right reserved for the Bu-Ali Sina University)



ISSN: 2345-5225

Online ISSN: 2345-5500



Main Characteristics of Acceptable Articles:

- The aim of the "PAZHOHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN" Archaeological Researches of Iran journal is to publish the "researches and scientific experience in archaeology and history of art and architecture".
 - The article must be the result of author(s) research and has not been published in other journals.
 - The acceptance of article for publish is depending on scientific judgment and editorial board approval.
 - The responsibility of the scripts is remains with the author (s).
 - The article must be provided in A4 (21×30 cm), B Mitra (13) font, with 2003/ 2007 office word format, as well as the peripheries must be adjusted.
 - The opportunity of submission is provided by e-mail (Journal.NBSh@Yahoo.Com & NBJ@basu.ac.ir).
 - The first page must contains the correspond authors' name and complete postal address and phone number, e-mail, institute and his/ her position.
 - The permission and name of advisor professor is needed, if the article is the result of thesis.
 - The articles must be arranged as: title, abstract, introduction, research methodology, and literature review, theoretical bases, body, conclusion, acknowledgments, reference cited and English abstract.
 - The Persian abstract must mentions to the whole body of the article and not to be more than 300 words.
 - The English abstract must mentions to the main parts and the conclusion of the article and not to be more than 600 words.
 - The charts' names must be mentioned with number on top and the figures, maps, plates and graphs with number below. The resources and references must be mentioned.
 - The figures, maps, plates and graphs must be within the text and an apart version of them in jpg with 300 dpi resolutions, also needed separately.
 - The article must not be more than 20 pages in given format.
- Only Persian articles can be submitted to be published.
- The "title" includes the topic, first and last name of author(s), position and the institute; the title must declare the content.
 - The abstract is short explanation, but clarifying the whole article content: the problem, research aim, essence, main points and conclusion.
 - The keywords must include 4-6 words showing their quantity and importance in the article.
 - The introduction includes designing the main problem, which is the main goal of the author to write the article; in the introduction, the literature review, hypothesis and the questions must be noted.
 - Research methodology includes a brief note of the procedure of doing the research discussion, conclusion and acknowledgments includes the article body and concluding remarks using reasonable and clarifying method; it cans be illustrated by chart, figure, graph and etc.
 - Acknowledgments will be written at the end of the article; the author(s) will remind the useful comments and briefly thanks the corresponding people.

Referring Method:

- The mentioned references in the article body must be documented among the most acceptable references.
- The forgotten or attributed references, the mentioning references must be addressed.
- To refer inside the article: last name, publication date: page(s) number; I.E.: Negahban, 1378: 112-5).
- About the oral references (interview with scholars) must be referred as mentioned in below and must be addressed in acknowledgments (Hoseyni, the Interviewee, 12/1/1390).

The Final Referring:

Persian:

Refer to a Book:

- Last name, name, (name and last name of co-authors); date of publish, "Title", translated by..., volume(s), publication place, publisher.
- Refer to encyclopedias, seasonal journals, journals and etc.:
- Last name, name, (name and last name of co-authors); date of publish, "Title", encyclopedia/ journal name, volume(s), publication place, publisher, page(s) number.

Latin:

- In the Latin references the first letter must be caps lock and between spaces must be a virgule.

Refer to A Book:

- Ward-Perkins, J.B 19 Roman Imperial Architecture London, Penguin Books.

Journals:

- Trinkaus, E. 1982. Artificial Cranial Deformation in the Shanidar1 and 5 Neanderthals, Current Anthropology 23(2): 198-199.

Refer to Complex Articles (Edited):

- Liverani, M 2003, "The Rise and fall of Media" Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia, (Lanfranchi, G.B And Others) Eds. Padova, 1-12.

Dissertations:

- Bloom, D.E. 1999. Tiwanaku Regional Interaction and Social Identity, a Bio archaeological Approach, PhD Thesis, Department of Anthropology, University Of Chicago.

Some Notes on Referring:

- The bibliographic resources must be arranged alphabetically either based on author's names or resources; these are the referred resources inside the article.
- In case of two or more reference of same author, they must arrange from early too late.
- In case of two or more reference of same author with same date, it must arrange as: (Majidzadeh, 1387 A: 15) and (Majidzadeh, 1387 B: 35).
- If the author is unclear, the title will be replaced.
- The title of books and articles must be fully described.
- The non-Persian references must come after Persian, as: Arabic, English, French and etc.
- Any explanation other than references must come as endnote.
- Scientific- research articles the publishing request of the Author (s) should be sent to the journals' secretary to this address: faculty of art and architecture, Gobar-E Hamedani Blvd., Journals' Office, Palestine Sq. Hamadan, Iran or the E-mail of the Journal: Journal.nbsh@yahoo.com / NBJ@basu.ac.ir



BU-ALI SINA UNIVERSITY

5

PAZHOHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN

ISSN: 2345-5225

Online ISSN: 2345-5500

Archaeological Researches of Iran

Vol. 9 No. 5 Autumn-Winter 2014

Journal of Department of Archaeology, Faculty of Art and Architecture Bu-Ali Sina University

The Chipped Stone Industry of East Chia Sabz, Seymareh Dam: Technological Changes from Transitional Neolithic to Aceramic Neolithic Time in Western Iran	7-24
Hojjat Darabi	
The Qezel Owzan River Basin During the Chalcolithic Period Based on Archaeological Surveys of Bijar County	25-50
Amir Saed Mucheshi	
An Investigation of the Cultural Changes of Kangavar Plain from the Chalcolithic to the Late Bronze Age According to the Settlement Models	51-62
Abbas Motarjem & Tayebe Almasi	
Petrographic Study of the Iron Age Pottery of Huto Cave	63-78
Amir Sadeq Naqshineh, Elnaz Hatami & Houman Nikravan Matin	
The Parthian Settlements and Sites in the Qeshm Island	79-100
Alireza Khosrowzadeh	
Archaeological Survey of the Nishabur Cultural Zone from the Early Islamic Metallurgy Mining Viewpoint	101-120
Solmaz Haji Alilou & Hayedeh Laleh	
Introducing and Typology of Islamic Potteries from Baluchistan Region, Mokran South	121-140
Seyyed Rasoul Mousavi Hajji, Mohammad Mehdi Tavassoli, Rouhollah Shirazi & Maryam Zour	
Gunbad-e Qabus: Study of Structure, Technical Features and Historical Backgrounds of Construction	141-154
Maryam Mohammady, Kazem Molazadeh & Sina Faramarzy	
An Analytical Rresearch on the Flaunts of Quran Verses on Iranian Metallurgy During Safavid and Qajar era "According to the Metal Works of National Museum of Iran"	155-168
Majid Sarikhani	
Investigating the Role of Geomatics Engineering in the Applications of Cultural Heritage, Archeology and Architecture	169-195
Saeed Ali Tajer & Somayyeh Afshari Azad	